

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۰۰

جمعه ۵ بهمن ۱۳۹۷، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۹

بیانیه حزب کمونیست کارگری:

از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان فعالانه حمایت کنید!



بخشی و فضای سوسیالیستی در میان کارگران خود را زیر فشار می بینند. چقدر صفوفشان به هم ریخته است و خود را در محاصره مردم معترض وحشت زده می بینند. اعتراض اسماعیل بخشی به شکنجه شدن در زندان موج وسیعی از خشم و اعتراض را نسبت به حکومت زندان و شکنجه برانگیخت و اسماعیل

کارگران! مردم آزاده! جمهوری اسلامی بار دیگر اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه را به همراه سپیده قلیان از بازداشتی های هفت تپه دستگیر کرده است. فیلم مضحک و نخ نمای "طراحی سوخته" توسط صدای و سیمای منفور رژیم در واقع اعتراف حکومت اسلامی به این بود که چقدر حاکمین از حمایت های گسترده از اسماعیل

صفحه ۲

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد طرح سوخته وزارت اطلاعات

صفحه ۲

بازنشستگان:

"توپ تانک مستند دیگر اثر ندارد"

صفحه ۱۲

چهل سال پس از پهلوی

آنان که گذشته را وعده میدهند آینده ای ندارند

حمید تقوایی

صفحه ۵

اسماعیل بخشی نماینده خشم و اعتراض کل جامعه

شهلا دانشفر

صفحه ۹

این یک مستند واقعی است!

مستند

توضیحات سپیده قلیان

سپیده قلیان

در مورد دور اول دستگیری و شکنجه

خلیل کیوان

خودش و اسماعیل بخشی

صفحه ۳

بودجه کلان نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی!

محمد شکوهی

صفحه ۱۱

* بازداشت اعضای کانون نویسندگان محکوم است

(حزب کمونیست کارگری)

* دستگیری اعضای تحریریه نشریه گام را محکوم میکنیم

(حزب کمونیست کارگری)

* تجمع معلمان و بازنشستگان در تهران و شهرستانها

(حزب کمونیست کارگری)

* نپرداختن دستمزدها جنایت در حق کارگران است

(حزب کمونیست کارگری)

* کریم سیاحی و طارق خلفی از کارگران فولاد اهواز آزاد شدند

(حزب کمونیست کارگری)

* نامه سرگشاده به دبیر کل سازمان بین المللی کار ILO

(کمپین برای آزادی کارگران زندانی)

* به تمامی سازمانهای کارگران و نهادهای انساندوست در سراسر جهان

دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را محکوم کنید

(کمپین برای آزادی کارگران زندانی)

* نمایش فیلم "طراحی سوخته" نشانه ورشکستگی جمهوری اسلامی است!

(کمپین بین المللی علیه اعدام)

* سپیده قلیان، اسماعیل بخشی و علی نجاتی باید بیدرنگ آزاد شوند!

(کمپین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی)

صفحات ۱۲ تا ۱۶

از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان فعالانه حمایت کنید!

بخشی را بیش از پیش در قلب کارگران و مردم جای داد و جمهوری اسلامی را بیش از پیش بعنوان یک حکومت منفر رسوا و بی آبرو کرد.

زیر فشار موج خرد کننده خشم و نفرت از این حکومت است که امروز باردیگر جمهوری اسلامی با دستپاچگی پاترولهای مسلحش را سراغ اسماعیل بخشی میفرستد تا او را دوباره راهی شکنجه گاه کند.

جمهوری اسلامی در برابر کارگران و مردم شمشیر را از رو بسته است. به اعتراض اسماعیل بخشی و سپیده قلیان به شکنجه، با دستگیری مجدد آنها پاسخ میدهد و میخواهد آنها را ناچار به سکوت کند. همه ما کارگران و مردم باید نشان دهیم که اسماعیل بخشی یکی نیست. همه ما اسماعیل بخشی هستیم. صدای او هستیم. سخن او را پژواک میدهیم. شعار اداره شورایی، نان، و آزادی و سوسیالیسم را فریاد میزنیم. اعتراض به دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را ده چندان کنیم. در محیطهای کار، در کوچه و خیابان، در

رسانه های اجتماعی و در همه جا نفرت خود را بیش از پیش نثار این ماشین نفرت انگیز زندان و شکنجه چپاول و جنایت نماییم و از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان دفاع کنیم.

صدای خرد شدن استخوانهای ارتجاع اسلامی حاکم به گوش میرسد. این هیبت متعفن ضد انسانی، این ماشین جنایت و چپاول و بیرحمی، این باند دزدان مافیائی، این سیستم ضد انسانی سرمایه داری که در آن نان شب کارگر را هم میدزدند و کارگر معترض را به زندان و شکنجه محکوم میکنند در جامعه ایران جایی ندارد و باید هرچه زودتر با انقلاب ما کارگران و مردم در هم کوبیده شود و به زباله دان پرتاب شود. اسماعیل بخشی گناهش اینست که صدای حق خواهی کارگران را در برابر سرمایه داران مفتخور بلند کرده است و کوس رسوایی همه جناحهای حکومت را به صدا در آورده است. بدون تردید با دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان جمهوری اسلامی نه فقط نمیتواند صدای اعتراض رادیکال کارگران را خاموش کند بلکه ما کارگران و مردم میتوانیم این تعرض را با موجی از سرنگونی طلبی و حق خواهی و اعتراض سوسیالیستی پاسخ دهیم.

زنده باد اسماعیل بخشی!
پیش بسوی اعتصابات سراسری!
پیش بسوی ایجاد شوراها!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ بهمن ۱۳۹۷، ۲۱
ژانویه ۲۰۱۹

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد طرح سوخته وزارت اطلاعات

جمهوری اسلامی با پخش برنامه "طراحی سوخته" در روز شنبه ۲۹ دی از صدا و سیما با حرکت اعتراضی که بعد از اعتصاب هفت تپه و افشاگری اسماعیل بخشی از شکنجه در زندان براه افتاده است، به مقابله پرداخت. در این برنامه با پخش قسمتهائی از "اعترافات" رهبران جنبش کارگری به رابطه با کمونیستها و متحد و متشکل کردن مبارزات کارگری، تلاش میکنند تا جنبش عظیمی که بویژه در یکساله اخیر کل حکومت و نظام سراپا فاسد حاکم را بجالش کشیده است را تخطئه کنند و آنرا بحساب توطئه های آمریکا و تحریم اقتصادی بگذارند. مردم مدتهاست با "شعار دشمن ما همینجاست دروغ میگن آمریکاست" جواب این نوع تبلیغات پوچ و رسوای حکومتی ها را داده اند. مردم بخوبی میدانند که عامل فقر و گرانی و سرکوب و "فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی" که در جامعه بیداد میکند نظام و حکومت تا مغز استخوان فاسد جمهوری اسلامی است. حکومتی که تحت فشار شکنجه مصاحبه تلویزیونی میگردد و ارتباط رهبران کارگری و دیگر بازداشت شدگان هفت تپه با سازمانهای کمونیست و تلاش

آنان برای متحد و متشکل کردن اعتصابات کارگری را جرم قلمداد میکند تنها استیصال و درماندگی خود را به نمایش میگذارد. سپیده قلیان در مورد برنامه طراحی سوخته نوشت "من و اسماعیل بخشی که سهل است، پنج هزار کارگر هفت تپه را هم جلوی دوربین نشانید و از آنها به زور کابل و باتوم اعتراف اجباری بگیرید باز هم از اصل داستان این که شما ستمگر و فاسدهستید کم نخواهد کرد." این پاسخ همه کارگران و مردم مبارز ایران به تقلاهای تبلیغاتی وزارت اطلاعات است.

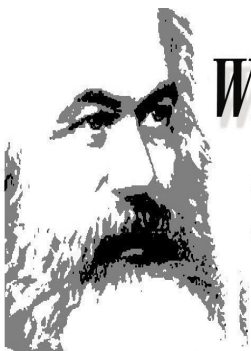
سپیده قلیان همچنین اعلام کرده است: "این تصاویری که از من پخش شد گواه دیگری در اثبات حرفهای مبنی بر شکنجه شدن در طول مدت بازداشتیم بود. جدیتر از قبل به پیگیری شکنجه شدنم خواهم پرداخت و حالا که اعترافتم پخش شد خواهان علنی برگزار شدن دادگاهم هستم."

سپیده قلیان را مجددا دستگیر کرده اند اما جرات نخواهند کرد دادگاه او را علنی برگزار کنند چون بخوبی میدانند به دادگاهی علیه جانین حاکم تبدیل خواهد شد. چون میدانند کیفرخواست سپیده قلیان و

اسماعیل بخشی علیه دستگاه سرکوب و شکنجه حاکم حرف دل همه مردم ایران است. این کیفرخواست امروز به جنبش اعتراضی فراگیری تبدیل شده است که تا به محاکمه کشیدن جانین حاکم از پا نخواهد نشست.

جنبش جاری علیه فقر و گرانی و سرکوب و بی حقوقی که با شعار جمهوری اسلامی نمی خواهیم و "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تموم ماجرا" در بیش از نود شهر آغاز شد بزیر کشیدن جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است. در این میان طرحهای سوخته تبلیغی حکومت تنها موجب تضعیف و رسوایی بیشتر رژیم و تعرض بیشتر مردم خواهد شد. مردم ماهیت ضد انسانی جمهوری اسلامی را بخوبی میشناسند و این نوع تبلیغات را تقلایی مضحک و از سر استیصال مبینند. اعتراضات حق طلبانه و رو به گسترش کارگران میروند تا کل نظام شکنجه و جنایت و چپاول جمهوری اسلامی را در هم بپیچد. حزب ما تمام توان خود را بکار میگیرد تا این جنبش عظیم با قدرت به پیش برود و به پیروزی برسد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ دیماه ۱۳۹۷



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

**به حزب
کمونیست کارگری
ایران پیوندید!**

مستند

سپیده قلیان

خلیل کیوان



در پی افشاگریهای شجاعانه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان درباره شکنجه شدنشان توسط سربازان بدنام اطلاعات در طی دور اول بازداشت شان، فصل تازه ای از رودرویی مردم و حکومت آغاز گردیده است. اکنون نه فقط شکنجه اسماعیل و سپیده، بلکه مساله شکنجه مستمر و سیستماتیک طی چهار دهه حکومت اسلامی به موضوع داغی در جامعه بدل شده است. مصاف بزرگی آغاز شده است؛ قربانیان شکنجه بسخن میانند، نیروی عظیمی در مقابل حکومت صف آرایی کرده است، مبارزه علیه امنیتی کردن فعالیت همگانی تر و روزبروز گسترده تر میشود و میروید که تیغ تیز شکنجه را از دست جلااد بدر آورد.

جمهوری اسلامی دست به حماقت بزرگی زد. تصور میکرد که با دستگیری و شکنجه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و دیگر فعالین کارگری قادر است همچون چهار دهه گذشته با بکارگیری شکنجه و اعتراف گیری های اجباری و تهیه و پخش باصطلاح اعترافات آنها، جنبش عدالتخواهی و آزادیخواهی را منکوب کند و به عقب براند. غافل از اینکه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در پی اعتراضات حق طلبانه و گسترده کارگران هفت تپه نه فقط از حمایت مردم در سراسر ایران، بلکه از حمایت بین المللی برخوردار میشوند. اسماعیل بخشی به سمبل اعتراض و دادخواهی بدل شده است و صف بزرگی به پهنه ایران و جهان در پشتیبانی از وی شکل گرفته است. غول

این یک مستند واقعی است!

توضیحات سپیده قلیان

در مورد دور اول دستگیری و شکنجه خودش و اسماعیل بخشی



بعد از آروم شدن فضایی که، فضای اونجا تو فرمانداری اطلاعات، آقای بهمنی گفتند که بیاین داخل اتاق من. صحبت کردیم با همدیگه. اسمای ما را وارد کردند. بعد گفتند دو نفر دیگه از کارگرا هم باید باشن. آقای خنیفر و سید حسن صادقی را هم صدا کردند و گفتن که الان پنج نفر شما، شما را منتقل میکنیم پلیس امنیت و اونجا جلسه برگزار میشه. جلسه ای که قرار بود برگزار بشه، اونجا برگزار میشه.

خب، ما موافقت کردیم. بعد از صحبت کردن دوباره یک مامور لباس شخصی اومد و به من فحاشی کرد. قصد داشت منو بزنه، بازهم آقای بخشی و آقای آرمند دخالت کرد. آقای بخشی را تا سر حد مرگ کتک زدند اونجا. بعد سوار ماشین ما را کردند بردن پلیس امنیت یا ستاد خبری. دقیقا نمیدونم. آقای صادقی نامی اونجا اومد منو تهدید جانی کرد، گفتش که اگر اینجا صحبت نکنی برادرت را میارم اینجا چون میدونم خانواده سنتی داری، اینجا سرت را میبره. ما میتونیم راحت یک کاری کنیم که همینجا سرت را ببره و به کرده و نکرده خودت اعتراف کنی. بعد فحاشی های جنسی خیلی بدی به من کرد. تهمت های

سلام، سپیده قلیان هستم. دانشجوی معترضی که ۲۷ آبانماه توهفت تپه بازداشت شدم. توی این ویدئو میخوام خیلی صریح اتفاقات ۳۱ روز بازداشت و بعد از بازداشتم رو از بیست و هفتم آبانماه رو به مردم توضیح بدم.

بیست هفتم آبانماه من تو اتوبوس کارگران هفت تپه بازداشت شدم. قبل ازاین قرار بود با کارگرا یک جلسه ای رو تو فرمانداری ترتیب بدهیم. یعنی کارگرا قرار بود در فرمانداری یک جلسه ای داشته باشند که مشکلاشون را رفع کنه و صحبت کرده بودم و قرار بود من بعنوان کسی که فیلم میگیرم و عکس تهیه میکنم و خبرنگار آزاد هستم به اصطلاح، برای کارگرا اونجا برم داخل، یک سری فیلم و عکس تهیه کنم. که هم از جلسه یک سری عکس و فیلم داشته باشن و یا اگر اتفاقی افتاد بیرون کارگراهای دیگه مطلع بشن.

جلسه لغو شد. به دلایلی که من آگاه نیستم، جلسه برگزار نشد. اومدن گفتن که بیاید سوار یک ماشین دیگه شما و پنج نفر دیگه را منتقل میکنیم، یک جای دیگه جلسه برگزار میشه و اونجا که جلسه برگزار شد، دوباره برتون میگردونیم. که این کارگرا موافقت نکردن و گفتن به هیچ عنوان. ما فقط و فقط در فرمانداری جلسه را برگزار میکنیم. داخل فرمانداری جلسه را برگزار میکنیم. بعد از راهپیمایی که توی خیابون کارگرا داشتن، که کاملا مسالمت آمیز بود، من به

از صفحه ۳ این یک مستند واقعی است!

ناروایی به من زد. در حضور دادستان حتی، دادستان شعبه اول دادبازی شوش. اونجا خیلی خیلی تهمت های بدی به من زدند. بعد هم پیش قاضی کشیک؟ (نامفهوم) رفتیم و تفهیم اتهام شدیم. زمانیکه توی مسیر منو میبردن تو اون اتاقی که قاضی نوری اونجا باشه و تفهیم اتهام بشم، صدای کتک خوردن آقای بخشی را از تو اتاق میشنیدم که بشدت تا سر حد مرگ کتکش میزدن، که دادش بلند میشد، که من یک کارگرم، دنده هامو شکستیدم.

بعد از اونکه تفهیم اتهام شدیم. سوار ماشین شدیم با چشمبند، دستبند، پابند، همگی سوار ماشین شدیم. من آقای مسلم آرمنند و محمد خنیفر توی یک صندلی بزرگ بود فکر کنم ون بود ماشین، چون ما ماشین را ندیدیم. پیش هم بودیم. آقای اسماعیل بخشی جلوتر سید حسن فاضلی. به محض اینکه شروع کردیم بدون اینکه درگیری صورت بگیره بدون اینکه یک کلام ما حرف بزیم، به محض اینکه به مقدار از پلیس امنیت، یا ستاد خبری اگر اشتباه نکنم، فاصله بگیریم، اونجا ضرب و شتم بشدت شروع شد. میزدند، میزدند، میزدند تا سر حد مرگ با باتوم، با شوکر آقای بخشی رو. خیلی شدید. بعد هم، باتوم را میگرفتند میزدند توی گردن من و می گفتند، و با فحاشی های خیلی بد و تهمت های خیلی بد ما را وادار میکردند به خودمون فحش بدیم. بالاخص آقای بخشی رو. بطوریکه من فکر میکردم که، مثلا میگفتش من نفسم بریده، نفسم بالا نیما، گفت با دستت ریه هات رو نشون بده. بعد تق تق با باتوم میزدند. یا شوکر میزدن به بیضه هاش، به گلوش. این وضع خیلی

وحشتناک، فضای خیلی بدی بود. بعد هم دو تا باتوم میزدن توی گردن و کمر من و میگفتند با فحاشی های خیلی بد. یعنی در توانم نیست الان توضیح بدم چه فحاشی هایی میکردن. ما را وادار میکردن چه فحش هایی به خودمون بدیم. بالاخص، بالاخص آقای بخشی. بطوریکه نفسش گرفته بود و نفسش بالا نمیومد. من فکر کردم که مرده.

بعد از اینکه ما را از ماشین میخواستن پیاده کنند اول آقای آرمنند و آقای خنیفر را پیاده کردن بردن. بعدش من از زیر چشمبند خونی که روی زمین جاری شد و آقای بخشی را میدیدم که رویدستاش میکشیدنش روی زمین با باتوم میزدن توی کمرش و میبردنش و میگفتند هیچیت نیست داری ادا در میاری. این صحن را دیدم. بعد دوباره به من حمله کردند. بعد از یک ضرب و شتم دیگه ای منو منتقل کردن به سلولم.

از اون روز شکنجه های روانی شروع شد. درگیریهایی فیزیکی زیادی هم داشتیم توی اتاق های بازجویی. کتک های شدیدی میخوردیم. اتاقم جفت اتاق شکنجه بود. تا صبح صدای شکنجه نمیگذاشت آروم بگیرم. جایی که ما رو بردند بازداشتگاه داعشی ها بود. از صداهای بازجویی مشخص بود. یا مثلا میگفتن بگو کی تو را وهایی کرده؟ کی داعشو بتو معرفی کرده؟ خودشون هم میگفتن. میگفتن جایی که شما را آوردیم، بازداشتگاه داعشه. کسانیکه توی ترور ۳۱ شهریور بودن اینجا هستن. و شما برای ما با اونا هیچ فرقی ندارین. تازه ما خطر شما را بیشتر احساس میکنیم.

بازجویی ها شروع شد. از ساعت ده صبح من میرفتم تا

پاسی از نیمه شب. یعنی بعد از ساعت خاموشی من میومدم. بعدها متوجه شدم ساعت خاموشی مثلا حول و حوش ساعت یازده و نیم و اینهاست. یعنی من شاید ساعت ۲ میومدم. بطوریکه اصلا گردنم انگار شکسته بود. درست نمیتونستم راه برم. بشدت لاغر شده بودم. اصلا نمیتونستم غذا بخورم روزهای اول. از شدت ترس و وحشتی که داشتیم که فکر میکردم آقای بخشی فوت کرده.

بازجویی های روزهای اول با کابل بود. از ما بزور کابل اعتراف گرفتند که ما برانداز هستیم. ما قصد مصاحبه کردن جنبش کارگری را داشتیم. که در حالیکه واقعا اینجور نبود. من یک دانشجوی ساده بودم. هیچ مدرکی ندارند بابت اینکه من به جایی وصل بودم. اینکه مثلا، ما توی توپتر یا توی فیسبوک، یک سری از دوستایی داریم که خارج کشورهستن، هیچ سند و مدرکی نیست برای اینکه ما همکاری با اینا داشتیم و با اینها یک کاری انجام دادیم. اعتراض کارگرهای هفت تپه اونقدر وسیع بود که اصلا نیازی به ما نبود. من بعنوان یک دانشجو فقط رفتم همراهی کردم و سعی کردم کمک کنم بخاطر شرایطی که داشتیم و نزدیکیم به هفت تپه.

بعد از اون بازجویی ها با تهمت های ناروای جنسی شروع شد. تهدیدهای خیلی شدیدی که خانواده ات را میاریم اینجا کتک میزنند. با چاقو دم درند. تو مریضی اعصاب داری. تو خودکشی کردی یکبار. در حالیکه من هیچوقت، حتی یک قرص مسکن هم، مصرف نمیکردم. میخواستن من به بقبولوند که من مریض هستم. یا مثلا آقای بخشی اعتیاد به شیشه داره. بعد کتک ها خیلی شدید شده بود. مرتب اعترافات خیلی بد

میگرفتند. یک جایی اینقدر کتک ها و فشار شدید بود سه تا بازجو بالای سر من بود که من برگشتم گفتم اصلا شما بنویسید من امضا میکنم. و واقعا نمیدونستم اینها دنبال چی هستند.

میگم که با کابل با پس گردنی، با زدن زیر صندلی، پرت کردن. که من یک جاهایی احساس میکردم که دقیقا من دارم فیلم بازجویی سعید امامی، زن سعید امامی را دارم میبینم. اینقدر وحشتناک بود. و به خودشون هم گفتم. من هیچوقت فکر نمیکردم شما اینقدر ظالم باشید. یعنی هرگز همچین فکری نمیکردم. تا این حد فکر نمیکردم ظالم باشید. مثلا بازجوی دلسوز داشتیم، آقای کلامی نامی. سال ۹۵ که بازجویی شده بودم. روز سوم بازداشتیم اومد خودشو به من معرفی کرد گفت یادته، من خیلی کمک کردم به تو و باعث شدم که سر اون پرونده زندان نری. هیچ کاری نکنی. ولی تو همچنان به راه خودت ادامه دادی و این صحبت ها. نمیدونم یک زندانی داعشی آورد سه متر هیکل سه متر قد، و با یک ظاهر وحشتناک گفت: نگاه کن الان ما اینو نشونت میدم، اینجا جای اینهاست. و ما ترا پیش اینها گذاشتیم.

توی دوران، خیلی ترسیده بودم. بطوریکه اصلا من احساس میکردم هر دفعه در سلولم را میزدند احساس میکردم زندانی داعشی میاد پیش من. آقایون، حالا خانوم ها بماند. توی مدتی که بازداشت بودم مرتب اذیتم میکردند. میگم تهمت های ناروای جنسی، میگم، من اونجا بخاطر رنگ مو هم اعتراف پس دادم. که چرا رنگیه. برای چی من همیشه لباس های رنگی میپوشم. بهشون هم گفته بودم ولی بیفایده بود. کتابهایی که از من برده بودن سند و

مدرک شد دال بر اینکه من کمونیستم. مگر کمونیست بودن کجای قانون اساسی جرمه. در ثانی اگر هم باشه همه این کتابها مجوز داشتند. و من هیچ کتاب غیر قانونی تو خونه نداشتم. و اینکه چرا باید من در طول بازداشتیم کتک بخورم و بگم، و مجبورم کنن بگم من دین ندارم. ما را مجبور میکردن بگیم دین نداریم. که من زیر بار این قضیه حداقل نرفتم.

خب ما سر یک نهار خوردن ساده با دوستانمون صفحه ها بازجویی پس دادیم. همه چیز را سیاسی کردن. ربطش دادن به براندازی. فیلم های اعتراف بزور از ما گرفتن. گفتند اینا را برای قاضی میخوایم. فیلم های اعتراف خیلی خیلی بدی از ما گرفتن. همشون هم بزور اجبار، با کتک بود. هیچکدومشون، یعنی من هیچکدومشون را قبول ندارم. هیچ مدرکی نداشتم. من الان چیزی که میخوام، به شکنجه ها بعد از آزاد شدنم تمام نشده. بطوریکه رفتم به دادستان هم گفتم میخوام وثیقه را بردارین من خراب کرده بودند. برادر و پدر طفلی من حتی دچار جنون شده بودند به جاهایی. از حرفهایی که آقای صادقی، آقای بهمنی بین کارگرا زده بود و به گوش خانواده من رسیده بود.

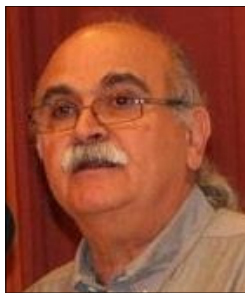
الان نمیدونم زمانی که این فیلم منتشر میشه من کجا هستم و در چه حالیهم. ولی میخوام بگم که من تنها خواسته ام اینه که دادگاه علنی برگزار بشه با حضور آزاد رسانه ها. اگر مدرکی هست بیان، منتشر کنن و بگن طبق این مدارک من چه کرده ام. چطور منو برانداز جلوه دادین. چطور این اعترافات گرفته شده. من حاضریم برای دادگاه علنی. و اینکه ممنونم از همه. *

چهل سال پس از پهلوی

آنان که گذشته را وعده میدهند آینده ای ندارند

حمید تقوایی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است.



کیوان جاوید: ۲۶ دیماه سالروز خروج شاه از ایران است. هفته گذشته بسیاری از رسانه های فارسی زبان در خارج کشور برنامه های خودشان را به این موضوع اختصاص دادند. در مدیای اجتماعی هم نظرات مختلفی در این رابطه مطرح شد. به همین مناسبت در مورد خصوصیات وضعیت اقتصادی و سیاسی ایران در زمان شاه و زمینه های انقلاب ۵۷ با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

با این سؤال شروع میکنیم که حکومت شاه از نظر سیاسی و اقتصادی چه موقعیتی داشت؟

حمید تقوایی: از نظر سیاسی در دوره حکومت شاه و کلا خاندان پهلوی یک اختناق کامل بر ایران حکمفرما بود. بویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد که دولت آمریکا و سازمان سیا سازمانده آن بود، و اسنادش هم امروز منتشر شده است، شاه سیاست به اصطلاح "مشت آهنین" را در پیش گرفت. در آن دوره کمترین آزادیها؛ آزادی فعالیت های سیاسی، رسانه های آزاد، آزادی انتقاد و اعتراض، تشکیل احزاب مخالف و حتی منتقدو غیره وجود خارجی نداشت. شرایطی بود که مردم آرا گورستان آریامهری مینامیدند.

از نظر اقتصادی هم وضع بهتر نبود. بعد از اصلاحات ارضی بخش وسیعی از روستائیان در جستجوی کار و تامین معاش به شهرها سرازیر شده بودند. اساسا یک هدف اصلاحات ارضی "آزاد کردن"

دهقانان از زمین و تبدیل آن به نیروی کار ارزان در خدمت سرمایه داران بود. این اتفاق افتاد و در حاشیه شهرها قشر وسیعی خارج از محدوده نشین بوجود آمد که از ابتدایی ترین خدمات شهری محروم بود؛ توده مردمی که یا کار پیدا نکرده بودند و یا اگر کاری داشتند حتی برای یک زندگی بخور و نمیر خود و خانواده شان کفایت نمیکرد. یکی از جرقه های آغاز انقلاب ۵۷ شورش همین خارج از محدوده نشینان بود. در واقع انقلاب علیه یک سیستم سرمایه داری تصفیه شده از آخرین بقایای فئودالی با رابطه ارگانیک و فعال با بازار جهانی شکل گرفت که بعد از اصلاحات ارضی با وعده اصلاحات و توسعه و صنعتی شدن و "رسیدن به دروازه تمدن بزرگ" و غیره بر جامعه مسلط شده بود ولی از پاسخگویی به نیازهای ابتدایی بخش وسیعی از جمعیت ناتوان بود.

از نظر وضعیت منطقه و بین المللی حکومت شاه یک پایگاه مهم دولت آمریکا در خاورمیانه و در مقابل دولت شوروی محسوب میشد، تمام و کمال سیاستهای دولت آمریکا را اجرا میکرد و حتی به نیابت از دولت آمریکا وارد جنگ ظفار شد.

این مولفه های سیاسی و اقتصادی و سوق الجیشی، تصویری از شرایط آن دوره و زمینه های شکل گیری انقلاب بدست میدهد.

کیوان جاوید: آیا تصویر عمومی

مردم از دوره پهلوی همین است که شما ترسیم کردید؟ گرایشات مختلف حرفه های متفاوتی میزنند. مثلا از پیشرفتهای جامعه در زمان حکومت شاه صحبت میکنند و دستاوردهای زیادی به او و کلا خاندان پهلوی نسبت داده میشود. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: بله پیشرفتهای مورد اشاره طرفداران سطنت اینست که در دوران پهلوی جاده سازی شد، راه آهن کشیده شد، صنعت پیشرفت کرد و غیره. کسی این پیشرفتهای را انکار نمیکند ولی در زمان جمهوری اسلامی هم این نوع پیشرفت ادامه داشته است. در دوره این حکومت هم به بسیاری از روستاها برق کشیده شد، شهرسازی شد، مترو و پارک ساخته شد، صدها دانشگاه و مدرسه عالی در تهران و در بسیاری از شهرها و شهرستانها تاسیس شد و غیره. این نوع پیشروی ها را تقریبا در تمام جوامع میتوان مشاهده کرد و ربطی به حکومت و رژیم کشورها ندارد. اینناشی از روند عینی پیشرفت تکنولوژی و صنعت و رشد استانداردهای زندگی در یک مقیاس جهانی است. میتوان گفت حکم و جبر تاریخ است. بعنوان نمونه انقلاب کامپیوتری و اینترنت و تلفنهای موبایل و تحولی که کلا در تکنولوژی اطلاعاتی و رسانه ای و ارتباطاتی رخ داده است شرایط عینی زندگی را در همه کشورها، مستقل از نوع دولت و نظام آنها کاملا تغییر داده و بهبود بخشیده

است. هر دولتی، دیکتاتور و سرکوبگر و یا لیبرال و معتدل و غیره ناگزیراست با این روند پیش برود.

در زمان شاه هم اصلاحات ارضی که مبتکر آن دولت آمریکا بود، اساسا با هدف ایجاد زیر سازی شرایط اقتصادی و اجتماعی مناسب برای سلطه و رشد سرمایه داری انجام شد. اقدامات رضا شاه هم در همین جهت بود. کلا از انقلاب مشروطه تا امروز این روند بر متن یک دیکتاتوری و بیحقوقی و سرکوب شدید جامعه ادامه داشته است. این شاخصی برای ارزیابی حکومتها نیست. در زمان پینوشه هم که دیکتاتور خونریزی بود و او هم مثل شاه با کودتای آمریکائی بقدرت رسیده بود اقتصاد شیلی پیشرفت کرد، هیتلر هم اقتصاد آلمان را خیلی پیشرفت داد. اما هیچیک از این واقعیات باعث نمیشود کسی این نوع "دستاوردهای" پینوشه و یا هیتلر را بحساب مترقی بودن این جنایتکاران تاریخ معاصر بنویسد. در مورد شاه و جمهوری اسلامی هم عینا همین طور است.

دیکتاتوری و اختناق در زمان شاه به حدی بود که حتی وجود احزاب فرمایشی و وفادار به سلطنت مثل حزب مردم و ایران نوین را نتوانست تحمل کند. آنها را منحل کرد و اعلام کرد هر کس مخالف سیستم است ایران را ترک کند! ملاک ارزیابی رژیم شاهنشاهی مثل هر نظام دیگری تنها میتواند درجه آزادی و برابری مردم و سطح رفاه عمومی در جامعه باشد. بر اساس این معیارهای واقعی رژیم شاه کارنامه سیاهی دارد و به همین دلیل هم مردم علیه آن دست به انقلاب زدند.

کیوان جاوید: علیرغم توضیحاتی

که دادید امروز رجوع به گذشته و تاسف از اینکه انقلاب شد و آن شرایط از دست رفت و غیره در جامعه مطرح است. چرا اینطور است؟

حمید تقوایی: این نظرات در مقایسه وضعیت امروز با گذشته مطرح میشود. جمهوری اسلامی از نظر تحمیل بی حقوقی ها و ضد انسانی ترین قوانین، گسترش فقر و فلاکت، فساد و دزدی ساختاری و نهادینه شده، و اعمال سرکوب و اعدام و شکنجه چنان شرایط دهشتناکی در جامعه ایجاد کرده است که عده ای یک حالت نوستالژیک پیدا کرده اند و حسرت گذشته را میخورند. اما این حسرت دوران گذشته و مقایسه بین بد و بدتر مشکلی را از مردم حل نمیکند.

اکثر کسانی که امروز پرچم سلطنت و اعاده وضعیت گذشته را بلند کرده اند منافعشان چنین اقتضا میکند. در زمان شاه اینها مشکلی نداشتند، بخشی از الیت حاکم بودند و زندگی مرفه ای داشتند. اینها حق دارند رویای بازگشت به دوران گذشته را در سر بپروانند.

بخش دیگری برای بچالش کشیدن رژیم حاکم و ایدئولوژی اسلامی به سطنت و ایرانیت و کورش کبیر روی آورده اند. خواست اینان خلاصی از شر جمهوری اسلامی است و نه لزوما اعاده شرایط دوران شاه.

اما خواست و انگیزه طرفداران سلطنت هر چه باشد نظام سلطنتی قابل بازگشت نیست. گذشته را نمیتوان بعنوان آینده پیشاروی جامعه قرار داد. جامعه باید بجلو برود. فشار دیکتاتوری وحشیانه جمهوری

از صفحه ۵ **چهل سال پس از پهلوی**

اسلامی در مقابل خود خواستها و انتظارات و توقعاتی را در جامعه مطرح کرده که بسیار پیشروتر و انسانی تر و متمدانه تر از هر دوره دیگری است. بازتاب این شرایط در میان توده مردم، فعالین جنبشهای اعتراضی و کارگران و زنان و جوانان مطرح شدن و گفتمان آزادی و برابری و رفاه در سطحی است که حتی از کشورهای غربی جلوتر و پیشروتر و مدرن تر است. اینکه جمهوری اسلامی یک نظام و حکومت فوق ارتجاعی است به این معنی نیست که جامعه به یک ارتجاع کمی بهتر رضایت میدهد. کسانی که گذشته را وعده میدهند آینده ای ندارند.

این نکته را هم اینجا توضیح بدهم که تاسف از اینکه انقلاب شد و ملامت مردم بخاطر دست زدن به انقلاب اساسا و در هر جامعه ای پوچ و بی معنی است. انقلاب امری ارادی نیست. احزاب و نیروها و شخصیت‌های سیاسی میتوانند در مقابل انقلاب و یا در کنار انقلاب قرار بگیرند و بر روند و سرنوشت آن تاثیر بگذارند ولی نفس انقلاب را کسی نمیتواند بوجود بیاورد. شرایط و تناقضات و تضادهای عینی اقتصادی و اجتماعی بین منافع طبقات هست که بالاخره به بحران و شکلگیری انقلاب منجر میشود. انقلاب ۵۷ به همین شکل اتفاق افتاد و امروز هم همین تناقضات و تضاد منافع طبقاتی، که از جمله در شعار مردم علیه "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" منعکس میشود، به جنبش انقلابی حاضر شکل داده است.

کیوان جاوید: ولی آیا میشود از انقلاب شکست خورده

درس گرفت و همان مردم و یا نسل بعدی به این نتیجه برسند که اشتباه کردیم انقلاب کردیم؟ آیا به این دلیل که مردم فکر میکنند سرنگون کردن حکومت شاه اشتباه بود نیست که جمهوری اسلامی توانسته است چهل سال دوام بیاورد؟

حمید تقوائی: دوام جمهوری اسلامی به این دلیل نیست. من فکر نمیکنم به این دلیل انقلاب نشده که مردم فکر میکنند در سال ۵۷ اشتباه کرده اند. جمهوری اسلامیکر چه هنوز حاکم است ولی از همان اولین روزی که قدرت رسید مدام با اعتراضات بخشهای مختلف مردم روبرو بوده است. تعداد اعتصابات کارگری، مبارزات زنان وجوانان، جنبش معلمان و بازنشستگان و مالباختگان و جنبش علیه اعدام و قیامهای شهری در ۷۸ و ۸۸ و بالاخره جنبش وسیعی که امروز کلیت نظام حاکم را پچالش کشیده است در تاریخ معاصر ایران بیسابقه است. هنوز انقلابی که رژیم را بزیر بکشد اتفاق نیفتاده ولی تحرک و جنب و جوشی و اعتراض علیه وضعیت موجود همیشه وجود داشته و رو به گسترش بوده است. در زمان شاه چنین شرایطی وجود نداشت. ایران سلطنتی یک جامعه اختناقزده و گورستانی ای بود که در آن انقلاب تنها میتوانست، مانند انقلاب ۵۷، بصورت یک انفجار ناگهانی و بدون هیچ تدارک از پیشی ایاتفاق بیفتد. و این یکی از دلایلی بود که اسلاميون توانستند بر انقلاب مسلط بشوند و آنرا در هم بکوبند. ضد انقلاب اسلامی بود و نه انقلاب. دولت خمینی را باید در ادامه دولت هویدا و شریف امامی و بختیار و

سیاستهایشان برای عقب راندن انقلاب و به شکست کشاندن آن در نظر گرفت. آنچه آنان نتوانستند به سرانجام برسانند را خمینی بهانجام رساند، با کشتارهایی که از جمله در دهه شصت به راه انداخت. با این همه علیرغم توحش این حکومت جامعه یک لحظه آرام نگرفت. شرایط سیاسی و تقابل بین جنبشها و نیروهای سیاسی در دوره جمهوری اسلامی با دوره شاه تماما متفاوت است و به همین خاطر مکانیسم و شرایط و خصوصیات انقلابی که در ایران شکل میگیرد نیز بسیار از انقلاب ۵۷ متفاوت است. این انقلاب دیگر یک انفجار در دل یک جامعه اختناقزده نیست، بلکه گفتمان و نیروها و اهرمهای خود را در طی چهار دهه در عرصه های مختلف نبرد مهیا کرده و تدارک دیده است. چهره ها، نهادها، احزاب، شعارها، خواستها، گفتمانها، رسانه های متعارف و اجتماعی، جنبشهای اعتراضی، و چشم انداز و افقهای طبقاتی متفاوتی شکل گرفته و فعال شده اند؛ فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی در جامعه شناخته شده و محبوب هستند و مبارزه ای چند دهساله را در کارنامه خود دارند؛ علیه اعدام و سنگسار، علیه آپارتاید جنسی و بیحقوقی فاحش زنان، علیه مذهب و قوانین مذهبی، علیه فساد و دزدی و چپاول حکومتی ها و علیه فقر و بیکاری و گرانی مبارزه پیگیری در جامعه ادامه داشته است و نیروهای چپ و مشخصا حزبی مثل حزب کمونیست کارگری در همه این عرصه ها فعال بوده اند.

اینها همه جزو تجربیات توده مردم در چهار دهه اخیر است. همین فاکتورها نشان میدهد که جامعه نه تنها از

انقلاب رویگردان نشده است بلکه در یک مقیاس وسیع دست اندر کار تدارک و شکل دهی به آن بوده است.

کیوان جاوید: فکر نمیکنید همه جنبشهایی که مثال زدید مثلا با خواست سکولاریسم، خواست آزادی زنان در پوشش همه اینها تازه تلاشی است برای اینکه مردم به دوران شاه برگردند؟

حمید تقوائی: بهیچوجه اینطور نیست. این تصور غلط است که گویا در زمان شاه مذهب در حکومت و قوانین نقشی نداشت. بالاخره شاه هم امام جمعه درباری داشت، مناسک و مراسم مذهبی دولتی برگزار میشد، خیلی از قوانین در آن دوره هم اسلامی و یا منطبق بر موازین شرعی بود، شاه خود را سایه خدا میدانست و غیره و غیره.

کلا در تاریخ معاصر ایران مذهب و ناسیونالیسم همیشه دست در دست هم حکومت کرده اند. در انقلاب مشروطه این دو نیرو نقش اساسی ایفا کردند، و در حکومت رضا شاه و در حکومت محمدرضا شاه هم همینطور. در دوره پهلوی ناسیونالیسم در حکومت دست بالا را داشت و در جمهوری اسلامی مذهب کل قدرت را در دست گرفت.

در آن زمان ناسیونالیسم حاکم مذهب را هم به خدمت گرفته بود و در دوره حاضر بر عکس مذهب حاکم از ایرانیت و عرق ملی نیز برای حفظ حاکمیت خود استفاده میکند. طبقه حاکم میدانند باید برای حفظ سلطه خود این دو رکن را نگهدارد. در دوره پهلوی شعار "خدا شاه میهن" که بر سر در رژیم سلطنتی نوشته شده بود بطور تبیین و موجزی این همدستی و همراهی مذهب و ناسیونالیسم را بیان میکند. میتوانید در این عبارت بجای شاه ولی فقیه بگذارید و

آنرا بر سر در جمهوری اسلامی نیز آویزان کنید.

تا آنجا که به مساله بیحقوقی زن مربوط میشود نیز مردسالاری و نگاه به زن بعنوان جنس دوم وجه مشترک مذهب و ناسیونالیسم است. البته در اسلام بیحقوقی زن افراطی ترین و شنیع ترین و همه جانبه ترین شکل را به خود میگیرد اما ناسیونالیسم نیز مقامی فراتر از پرورش دهندگان نسل آینده برای زنان قائل نیست. این نوع برخورد به زنان و موقعیت زن در جامعه جزئی از فرهنگ دولت حاکم در زمان شاه بود و اساس تبلیغات سلطنت طلبان به اپوزیسیون رانده شده نیز همین است.

اما بحث تنها بر سر مذهب و حقوق زن نیست. یک مساله مهم مردم بی حقوقی های سیاسی و نقض آزادی بیان و اندیشه و مطبوعات و تحزب و تشکل و اعتراض و اعتصاب است که در دوره شاه هم عینا همین شرایط بود. تفاوت تنها در اینست که در این دوره اعتراضات وسیعی علیه این بی حقوقی ها جریان دارد که در دوره شاه بخاطر اختناقی که بر جامعه بود چنین اعتراضاتی با این درجه از گستردگی و تداوم وجود نداشت.

بهمین خاطر همانطور که بالاتر هم توضیح دادم امروز جامعه ایران از نظر آمل و آرزوها و توقعات و انتظارات مردم بسیار فراتر از زمان شاه است. و نه در برخورد به مذهب، نه در رابطه با آزادی و رهایی زن و نه در زمینه آزادیهای سیاسی و کلا هیچ زمینه دیگری به شرایط دوران شاه رضایت نخواهد داد.

کیوان جاوید: آیا مشکل حکومت استبدادی شاه این

از صفحه ۶ **چهل سال پس از پهلوی**

بود که او حکومت فردی داشت؟ آیا میشد طور دیگری همان حکومت اداره بشود؟

حمید تقوائی: دیکتاتورها زاده شرایط سیاسی اقتصادی اجتماعی کشور خودشان هستند. ممکن است از لحاظ شخصیتی و روانی هم خودخواه و مستبد باشند ولی این فاکتور اصلی نیست. شاه تحصیلکرده سوئیس بود و شاید فکر میکرد میتواند به ایران بیاید و شرایطی شبیه جوامع اروپائی ایجاد کند. در هر حال اینکه چه نیت و خیالی در سر داشت مهم نیست. مهم اینست که وقتی در ایران حاکم شد متوجه شد باید بتواند قدرت خودش و طبقه ای که نمایندگی میکرد را حفظ کند. قبل از اصلاحات ارضی اساساً فئودالها و یا زمینداران - سرمایه داران بر اقتصاد و سیاست حاکم بودند. خود شاه به لطف پدرش که اراضی زیادی را به نفع خودش مصادره کرده بود جزو بزرگ ملاکان و اربابان عمده ایران به شمار میرفت. بعد از اصلاحات ارضی شاه و دربار از زمیندار عمده به کلان سرمایه دار تبدیل شدند و کلان سرمایه داری گسترش پیدا کرد و طبقه سرمایه دار تمام قدرت را بدست گرفت. سرمایه داری باید میتوانست در بازار جهانی رقابت کند و سود آور باشد. دیکتاتوری شاه برای تأمین این سود آوری و حفظ منافع طبقه سرمایه دار ضروری بود - مثل خیلی از دیکتاتوریهایی دیگر در کشورهای آفریقائی و آسیائی و آمریکای لاتین - کشورهای به اصطلاح آن زمان "جهان سومی". دیکتاتوریه جمهوری اسلامی هم از همین نوع است. اینکه دیکتاتورها با چه نوع ایدئولوژی و به اصطلاح توضیح و تبیینی خودشان را

توجیه میکنند و در قدرت میمانند یک بحث است و اینکه چه شرایط اقتصادی و عینی و واقعی ای دیکتاتوری را ضروری میکند کاملاً بحث دیگری است.

ما از همان سال ۵۷ این را اعلام کردیم که ضرورت کارکرد و سود آوری سرمایه در ایران چه در دوره شاه و چه جمهوری اسلامی اعمال دیکتاتوری عریان است. اختناق، سرکوب و اجازة ندادن به کارگران و مردم برای اینکه حتی در همان سطح جوامع اروپائی بتوانند حرفشان را بزنند، بتوانند متشکل و متحزب بشوند، اعتراض کنند، از آزادی بیان و قلم و تحزب و مطبوعات و غیره برخوردار باشند - حقوقی که هم در دوره پهلوی و هم جمهوری اسلامی جامعه ایران از آن محروم بود - همه از ضروریات کارکرد و سودآوری سرمایه در کشور ایران است.

ممکن است بپرسید که چرا در نظامهای غربی و کلا کشورهای صنعتی پیشرفته سودآوری سرمایه ها مستلزم چنین دیکتاتوری عریان و وحشیانه ای نیست؟ پاسخ به این سؤال تفاوت ساختاری بین نظامهای پیشرفته صنعتی و جوامعی نظیر ایران است.

سرمایه داری در ایران از نظر قدرت تولیدی و بارآوری کار، حجم سرمایه ثابت و ترکیب ارگانیک سرمایه، بسیار عقب تر از اروپا و امروز میتوان گفت - به یمن چهار دهه حکومت اسلامی - حتی عقب تر از ترکیه و امارات و بعضی از کشورهای دیگر منطقه است و ناگزیر است این عقب ماندگی را با نیروی کار ارزان جبران کند. سرمایه داری ایران برای اینکه بتواند با سرمایه ها در بازار جهانی

رقابت کند و سرمایه ها گذار ها را به بازار ایران جلب کند ناگزیر است تسمه از گرده طبقه کارگر بکشد. تنها عاملی که میتواند سرمایه ها را جلب کند و به سرمایه قدرت رقابت بدهد اینست که طبقه کارگر با دستمزد هر چه کمتر و شدت هر چه بیشتری به کار کشیده شود.

تأمین کار ارزان و کارگر خاموش لازمه سود آوری و جلب سرمایه ها در نظامی با سطح نازل و تکنولوژی تولیدی و بهره وری کار در کشوری نظیر ایران است و دیکتاتوری در ایران معاصر در تحلیل نهائی از اینجا ناشی میشود.

کیوان جاوید: ولی آیا سلطنت طلبان در این دوره بخصوص رضا پهلوی و طرفدارانش درس نگرفته اند که بجای حکومت فردی و محدود کردن احزاب و یا سرکوب آزادیهای سیاسی رژیم می مثل انگلیس و سوئد و دیگر کشورهای اروپائی که پادشاه نقش فرمالی دارد، ایجاد کنند؟

حمید تقوائی: همانطور که توضیح دادم دیکتاتوری امری فردی نیست. عکس قضیه هم صادق است. یعنی دیکتاتور نبودن هم امر فردی نیست که بتوان درس گرفت و تصمیم گرفت و دیکتاتور نبودن ممکن است رضا پهلوی و طرفدارانش فکر کنند شاه میتواند مقام فرمالی نظیر ملکه انگلیس و یا شاه سوئد داشته باشد. ممکن است چنین تخیلاتی داشته باشند ولی ایران سوئد و انگلیس نیست. اینجا باز شرایط عینی اقتصادی تعیین کننده است.

اجازه بدهید تصویر ملموسی بدهم که موضوع روشن تر بشود. فرض کنید رضا پهلوی برگردد و بر تخت

بنشیند و بخواهد آزادی بدهد. از سوی دیگر چرخ سرمایه ها هم باید بگردد. و به این منظور حکومت ناگزیرست سیاستهای ریاضت کثی اقتصادی را که پیش شرط اعتبار گرفتن از بانک جهانی و حضور در بازار جهانی است، تمام و کمال و به شدیدترین وجه در ایران پیاده کند. یعنی باید سرمایه تسمه از گرده طبقه کارگر بکشد تا از یکسو واجد شرایط گرفتن وام و اعتبار از موسسات مالی جهانی باشد و از سوی دیگر بتواند با سرمایه های غربی و امروز دیگر چین و هند و کره جنوبی رقابت کند. ممکن است سلطنت طلبها تخیلات لیبرال منشانه ای داشته باشند ولی با اولین اعتصاب کارگری علیه ریاضتکشی اقتصادی ناگزیرند بگیرند و بزنند و ببندند، احزاب را منحل کنند، آزادی قلم و مطبوعات و رسانه ها را پایمال کنند و غیره و غیره. نیروئی واقعا میتواند در جامعه ایران آزادی و برابری و رفاه به ارمغان بیاورد که سرمایه داری و نظام استثمار و بردگی مزدی را لغو کند. راه دیگری نیست.

کیوان جاوید: همانطور که در ابتدا اشاره کردم همین چند روز پیش کل تلویزیونهای فارسی زبان تمرکزشان بر رفتن شاه از ایران و رسیدن به این نتیجه بود که حیف شد شاه رفت. آیا نیروهای راست با امکاناتی که دارند، با اتکایشان به صندوق بین المللی پول و دولتهای غربی و رسانه ها و غیره شانس بالائی برای قدرت گیری ندارند؟

حمید تقوائی: روشن است که نیروهای راست دولتها و رسانه ها را با خود دارند. ولی این لزوماً به این معنی نیست که راست شانس بالائی برای قدرتگیری دارد. آنچه ما و

کلا نیروهای چپ و کمونیست بر آن متکی هستیم قدرت طبقه کارگر و قدرت اعتراضات و مبارزات مردم است. همین رسانه های مورد اشاره شما هفته قبل داشتند از هفت تپه، شکنجه بخشی و کمونیسم کارگری صحبت میکردند. و جنبش و اعتراضی را منعکس میکردند که یک رهبر کارگری علیه دستگاه شکنجه و سرکوب جمهوری اسلامی در جامعه شکل داده است. بنابراین قدرت چپ هم میتواند وقتی اجتماعاً و در کف خیابانها و کارخانه ها ظاهر بشود خودش را به رسانه ها تحمیل کند. این جنبش هر چه بیشتر گسترش پیدا کند بیشتر در رسانه ها منعکس خواهد شد.

از سوی دیگر نیروهای راست در شرایطی شانس خواهند داشت که قدرتهای غربی رژیم چنج و تغییر قدرت از بالای سر مردم را در دستور کار خود بگذارند. در هر حال حاضر هیچیک از دولتهای غربی خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی یا رژیم چنج نیستند. حتی ترامپ هم خواهان رام کردن جمهوری اسلامی در چهارچوب سیاستهای منطقه ای خود و مذاکره و سازش با حکومت با شرایطی بهتر - از نقطه نظر دولت آمریکا - است و بارها گفته است که سیاست رژیم چنج حکومت ایران را دنبال نمیکند. اروپا هم که رسماً کنار جمهوری اسلامی ایستاده است.

این شرایط میتواند با تعمیق بحران وبی ثباتی جمهوری اسلامی تغییر پیدا کند. اگر قدرتهای غربی به این نتیجه برسند که انقلاب در ایران اوج خواهد گرفت و حکومت رفتنی است سیاستشان را تغییر خواهند

از صفحه ۷ **چهل سال پس از پهلوی**

داد. گسترش و تداوم اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات توده ای احتمال این تغییر سیاست را بالا خواهد برد اما به همان نسبت از نظر عملی تغییر رژیم و بدون دخالت مستقیم مردم و از بالای سر آنان را برای دولتها و نیروهای رنگارنگ بورژوازی سخت تر خواهد کرد. رژیم چنج در شرایط انقلابی که توده مردم در خیابانها هستند ریسک بالائی برای سازماندهندگان خواهد داشت.

رسانه ها و دولتهای بورژوازی تحمیل کند. این نبردی است که سرنوشت آنرا نهایتا نه دولتها و رسانه های غربی، بلکه تقابل بین چپ و راست در خود جامعه ایران رقم خواهد زد. ما در این نبرد به نیروی لایزال یک جامعه هشتاد میلیونی متکی هستیم که برای رسیدن به خواستههای انسانی اش بپا خاسته و بمیدان آمده است.

کیوان جاوید: در آستانه چهلمین سال بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی هستیم. راز اینکه خمینی بقدرت رسید چیست؟ میدانیم که مهمترین کتاب خمینی توضیح المسائل بود که یک بحث اش اینست که چطور میتوان با طفل شیرخواره رابطه جنسی داشت. و بحثهای شنیع دیگری که اصلا قابل ذکر نیست. چطور میشود جامعه ای برای آزادی و برابری و رفاه انقلاب بکند و خمینی را بقدرت برساند؟

حمید تقوائی: همانطور که بالاتر توضیح دادم خمینی نماینده ضد انقلاب بود و نه انقلاب. او عامل تحریف و کوبیدن انقلاب توده مردم برای آزادی و برابری و رفاه از درون و تحت عنوان انقلاب بود. نیروهای غربی اساسا در هراس از قدرتگیری چپ او را بزرگ کردند و تصویرش را به ماه انداختند، او را به پاریس بردند، تریبونها را در مقابلش قرار دادند و به جامعه ای که بدنبال رهبری علیه شاه و حکومت سلطنتی میگشت بعنوان انقلابی ترین مرد جهان فروختند.

نکته دیگر اینکه مردم در سیاست، بخصوص در شرایط انقلابی، از سر اینکه چه کسی چه کتابی نوشته و یا عقایدش چه هست رهبر انتخاب

نمیکند. انقلاب اساسا حرکتی نفی ای و سلبیست، علیه وضع موجود است و در این شرایط هر نیرو یا هر چهره ای که این نفی و نقد و اعتراض مردم را نمایندگی کند به راس رانده میشود. خمینی هم در اینکه "شاه باید برود" پیگیر بود. نیروها و چهره های مطرح در آن زمان، امثال بختیار و یا بازرگان و نهضت آزادی و جبهه ملی چنین موضعی علیه شاه و سلطنت نداشتند. (درضمن اینکه بجای کمونیستها و نیروهای چپ و واقعا انقلابی و رادیکال چهره هائی نظیر خمینی و بختیار و بازرگان بعنوان اپوزیسیون مطرح بودند خود یکی از "دستاوردهای" اختناق شدید شاهنشاهی بود). این موضع ضد شاهی خمینی بر متن کمک و حمایت عظیمی که از دولتها و رسانه های غربی دریافت کرد باعث شد تا یک چهره ضد انقلابی و پوسیده و متحجری که چنان رساله ها و عقاید شنیعی داشت که به آن اشاره کردید بتواند بعنوان رهبر انقلاب خودش را جا بزند.

اما مردمی که علیه شاه به انقلاب دست زدند خواهان حکومت اسلامی نبودند. بسیاری از مردم متوهم به خمینی این تصور را داشتند که با رفتن شاه اختناق پایان خواهد رسید و بساط ساواک

و زندان و دستگاه سرکوب گورستان آریامهری جمع خواهد شد. مردم آرمان و آرزوهای انسانی و رادیکالی داشتند. انقلاب بر سر آزادی و برابری و رفاه بود همانطور که امروز هم اینطور هست. منتهی دولتها و نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی توانستند آنرا اسلامیزه و تحریف و مسخ کنند.

کیوان جاوید: آخرین سوال من اینست که بالاخره چه باید کرد که مردمی که از یکسال پیش بمیدان آمده اند تا جمهوری اسلامی را کنار بزنند به پیروزی و آزادی و رفاه برسند؟

حمید تقوائی: قبل از هر چیزی باید یک تصویر و تبیین روشنی از سرنگونی در برابر جامعه قرار داد. جمهوریاسلامی سرنگون میشود یعنی چه؟ یعنی ولی فقیه کنار میروود؟ اسلام نوع دو خردادی روی کار میآید؟ یعنی قشر آخوند جای خود را به کراواتی ها میدهد؟ سپاه و ساواوا و بسیج جای خود را به ارتش و ساواک نوع دوم و گارد ویژه و غیره میدهد؟ نیروها و جنبشهای مختلف طبقاتی پاسخهای متفاوتی برای این پرسش ها دارند اما تنها پاسخ کمونیستها میتواند رهائی و آزادی را به ارمغان بیاورد. همانطور که بالاتر گفتم

انقلاب حرکتی است اساسا انتقادی و علیه وضع موجود که میخواهد بزند و نظام حاکم را زیر و رو کند. یک نیروی کمونیست انقلابی مثل حزب ما باید این نقد را هر چه عمیق تر و شفاف تر و همه جانبه تر بکند. جامعه باید ریشه مصائبش را بشناسد و دست به ریشه ببرد. باید اعتراض و "نه" مردم به فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی به نه به سرمایه داری و سیستم کارمزدی تبدیل بشود و چالش دولت به چالش کل ماشین دولتی مافوق مردم ارتقا پیدا کند.

جامعه برای حرکت در این جهت کاملا آماده است. مردم و جنبش های اعتراضی در عرصه های مختلف هر روز رادیکال تر و تعرضی تر میشوند و خواستهها و شعارهای چپ و رادیکال، ضد سرمایه داری و ضد تبعیض طبقاتی در جامعه رو به گسترش است.

این شرایط که حزب ما خود در ایجادش نقش داشته است امروز وظایفی بسیار مبرم تر و خطیر تر از گذشته در مقابل ما قرار میدهد. ما از موقعیتی برخوردار هستیم که میتوانیم انقلابی که درجامعه در حال شکل گیری است را هر چه متعین تر و رادیکال تر و عمیقتر و گسترده تر کنیم، به پیش ببریم و به پیروزی برسانیم.*



اسماعیل بخشی نماینده خشم و اعتراض کل جامعه

شهلا دانشفر



اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان فعال دانشجویی و خبرنگاری که در جریان اعتراضات این کارگران بازداشت شده بودند، در روز سی ام دیماه دوباره بازداشت شدند. دستگیری مجدد آنها به موجی از خشم و اعتراض در سطح جامعه دامن زده است. دلیلش نیز به سادگی اینست که آنها با بدست گرفت پرچم اعتراض علیه شکنجه و زندان، امروز در قلب بخش عظیمتری از مردم جا گرفته اند. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بعد از پخش برنامه کذایی "طراحی سوخته" که توسط وزارت منفور اطلاعات جمهوری اسلامی و صدا و سیما کذایی تهیه شده بود، بازداشت شدند.

اسماعیل بخشی در ۲۱ آذر بعد از ۲۵ روز زندان و شکنجه های جسمی و روحی آزاد شد. اما او بعد از آزاد شدنش نیز ساکت ننشست و با نامه ای سرگشاده به وزیر اطلاعات و فراخوان او به مناظره، جنبش و تحرک و خشم و ولوله ای را در جامعه ایجاد کرد. حکومت در این فضا زیر فشار جدی قرار گرفت و اظهارات ضد و نقیض و مضحک دست اندرکاران حکومتی این را بروشنی جلوی چشم گذاشت. در همین راستا سپیده قلیان و عسل محمدی دو دانشجویی که در ارتباط با اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شده بودند نیز بر شکنجه های انجام شده بر اسماعیل بخشی در زندان گواهی دادند و از اینکه خود آنها نیز شکنجه شده اند

ممتد و ضرب و شتم قرار دادند و با تحقیر و توهین و اتهامات "اخلاقی" و گذاشتن تهدید خانواده بر روی سرش، سعی میکردند وی را زیر فشار روحی قرار دهند.

پخش مستند "طراحی سوخته" آخرین آس حکومتیان برای تعرض به اسماعیل بخشی، علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه که از هشتم آذر ماه دستگیر شده و همچنان در بازداشت است و نیز برای تعرض به سپیده قلیان بود که چنین جانانه درمقابلشان ایستاده است. از جمله در واکنش به پخش این "مستند" از صدا و سیما جمهوری اسلامی فرزانه زیلابی با غیرقابل توجیه و غیر قابل تحمل بودن پخش مستند تلقینی، گزینشی و غیرمنصفانه "طراحی سوخته" و پرونده سازی مصنوعی علیه اسماعیل بخشی بر خارج شدن روند کار از محرمانه بودن آن اعتراض کرد و از خواست موکلش بخشی مبنی بر برگزاری یک دادگاه علنی و اجازه دفاع دادن به او در همان تریبونی که این مستند پخش شده است، خبر داد.

در همین راستا ۲۱ وکیل دادگستری در نامه ای به رئیس قوه قضائیه اعلام کردند که رسیدگی دادستان شوش به شکایت اسماعیل بخشی، نماینده کارگران نیشکر هفت تپه، درباره شکنجه شدنش «فاقد وجهت قانونی» است. سپیده قلیان نیز با گفتن اینکه این تصاویری که از او پخش شده گواه دیگری در اثبات حرف هایش مبنی بر شکنجه شدن در طول مدت بازداشتش بوده است، اعلام کرد که جدی تر از قبل به پیگیری شکنجه شدنش خواهد پرداخت و خواستار علنی برگزار شدن دادگاهش شد.

بود که "اعترافات" آنها در زندان را رسانه ای خواهند کرد. اما بخشی ایستاد و جامعه نیز به حمایتش برخاست. انتهای این ماجرا پخش "مستند طراحی سوخته" از صدا و سیما جمهوری اسلامی بود. برنامه ای که بر خشم و نفرت مردم بیشتر دامن زد. در مقابل مردم مستند واقعی را از زبان سپیده قلیان در آخرین کلیپ ویدئویی که در مدیای اجتماعی قبل از دستگیری اش پخش کرده بود، شنیدند و دیدند. در این کلیپ ویدئویی سپیده قلیان جسورانه از شکنجه و فشار وحشیانه رژیم اسلامی در زندان و شکنجه هایی که بر اسماعیل بخشی و وی وارد آمده پرده برداشت. سخنان او با موجی از حمایت روبرو شد و انعکاسش را در گروه های هزاران نفره در مدیای اجتماعی با شعارهای "ما همه بخشی هستیم"، "ما همه سپیده قلیان هستیم"، "نه به شکنجه و زندان" به روشنی دیدیم. سخنان سپیده قلیان در این ویدئو هنگامیکه از رفتار وحشیانه مقامات امنیتی که در طول دستگیری و در زندان با او به عنوان یک زن داشتند، بیش از پیش چهره کتیف و ارتجاعی رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. سپیده در سخنانش توضیح میدهد که چگونه او را در بند زندانیان داعشی نگاهداشتند و با گفتن اینکه تو کمونیستی و کسانی مثل شما از این داعشیان خطرناکترند، او را زیر شکنجه

"توپ تانک مستند، دیگر اثر ندارد"

جمهوری اسلامی با پخش "مستند طراحی سوخته" و هیاهو بر سر "اعتراف" بخشی و قلیان و نجاتی و غیره و وصل کردن آنها به توطئه آمریکا و دشمن، و راه انداختن همان تبلیغات نخ نمای همیشگی تلاش کرد مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی را تخطئه کند. اما جامعه جوابش را داد. یک نمونه بارز آن تجمع اعتراضی بازنشستگان در دوم بهمن ماه در مقابل مجلس اسلامی است. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان با شعارهایی چون "توپ، تانک، مستند"، "شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "صدا و سیما ما، ننگ ما، ننگ ما"، جواب تقلاهای کثیفی چون "طراحی سوخته" و دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را به زیبایی دادند. بعلاوه در عکس العمل به این اقدام نفرت انگیز جمهوری اسلامی تشکلهای مختلف کارگری و بخشهای دیگر جامعه رسماً بیانیه دادند و انزجار خود را اعلام کردند. از جمله سندیکای نیشکر واحد، انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه، کانون نویسندگان ایران در این رابطه بیانیه داده و این عمل زبونانه جمهوری اسلامی را محکوم کردند. همچنین جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران طی گفتگویی که از طرف این اتحادیه با او شده بود، از اینکه سندسازی هایی از این دست واقعا طرحی سوخته است و بر اینکه چنین مستندی بیش از هر چیز سند محکمی بر رسوایی حکومتی است که

از صفحه ۹ اسماعیل بخشی نماینده خشم و اعتراض ...

اعتراض کارگر و مردمی که حق و حقوقشان را طلب میکنند را با زندان و شکنجه جواب میدهد، تاکید کرد. جعفر عظیم زاده در سخنانش اعلام کرد که اگر صحبت های بخشی را در جامعه ای آزاد قرار دهیم، هیچکدام آنها جرم نیست و او از آنها دفاع میکند و توضیح داد که هدف حکومت از اینکار تعرض به کل کارگران و همه مردم و خفه کردن مبارزات کارگری در چهارچوب کارخانه است. همچنین در بخشی از بیانیه سندیکای نیشکر هفت تپه چنین آمده است: "این برنامه با سر هم بند کردن، اسامی بعضی از افراد، سازمان ها و ربط دادن کارگران زندانی به ترامپ و آمریکا!!!، به زعم خود تلاش کردند تا واقعیات اعتراضات کارگران در رابطه با عدم پرداخت حقوق و دزدی ها و چپاول صورت گرفته تحت عنوان "خصوصی سازی" را منکر شوند. اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، فولاد ملی اهواز، هپکو اراک، معدن آق دره و دیگر اعتراضات هر روزه کارگران، معلمان، پرستاران در سراسر کشور توطئه نیست. این صدای حق طلبی فرودستان کارد به استخوان رسیده است که با سناریو سازی در مورد آن و با خشونت، ضرب و شتم، بازداشت، شکنجه و زندان می خواهید آنرا خاموش کنید. همبستگی کارگران و تشکل یابی شان حق بدیهی و به رسمیت شناخته شده بین المللی می باشد اما شما قصد دارید با نمایشی وارونه، به بینندگان چنین القا کنید که آن جرم است و سپس با خشونت فراوان آنرا سرکوب کنید. اگر قرار باشد کسی مورد محاکمه قرار گیرد

دزدان و فاسدانی هستند که میلیارد میلیارد سرمایه کارگران و زحمتکشان را به تاراج می برند و راحت از گیت فرودگاه خارج می شوند. باید کسانی محاکمه شوند که حتی به قانون خود پایبند نیستند. صدا و سیما و سازندگان این برنامه حتی بر خلاف قوانین موجود فیلمی را نمایش دادند که هنوز از طرف دادگاه مورد نظر سازندگان و طراحان برنامه، رای بر مجرم بودن کارگران زندانی هنوز اعلام نشده است، عجب از این همه بی عدالتی؟!". در آخر این بیانیه چنین آمده است: "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اعلام میدارد که ارتباط کارگران برای تبادل نظر، برای شناخت و آگاهی بیشتر در راستای نابودی فقر و فلاکت و سیاه روزی، برای ایجاد تشکل های کارگری و ارتباطات کارگری در جهت همبستگی را حق طبیعی خود می داند. ضمن محکوم کردن این شوی تلویزیونی خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط علی نجاتی و اسماعیل بخشی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران هفت تپه و همچنین سپیده قلیان و دیگر کارگران زندانی هستیم".

سندیکای کارگران شرکت واحد نیز طی بیانیه ای تحت عنوان "طراحی سوخته" بهانه ای برای سرکوب مطالبات و اعتراضات کارگران" این نمایش کثیف تلویزیونی جمهوری اسلامی را محکوم کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "این نمایش تلویزیونی حقیرانه و اعترافات اجباری را به شدت محکوم می کند و هر گونه اتهام و برچسبی به سندیکای مستقل و مبارز واحد را قویا تکذیب نموده و حق خود

میداند که علیه صدا و سیما و قوه قضائیه که اجازه انتشار آنرا داده است رسماً شکایت نماید. ما بازداشت خشونت آمیز اسماعیل بخشی و سپیده مهدی قلیان بدنبال پخش این نمایش تلویزیونی را به شدت محکوم می کنیم و خواهان آزادی بدون قید و شرط آنها و نیز علی نجاتی و دیگر کارگران و معلمان و فعالان کارگری و دانشجویان حامی کارگر هستیم".

یک بیانیه قابل توجه دیگر در همین رابطه بیانیه کانون نویسندگان ایران تحت عنوان: "اعتراف گیری عین سرکوب آزادی بیان است. در بخشی از بیانیه آنها چنین آمده است: "اعتراف گیری" و نمایش تلویزیونی آن در طی چهار دهه ای اخیر مقدمه یورش بیشتر به منتقدان و معترضان بوده و نقش توجیه گر سرکوب های آتی را بر عهده داشته و در کنار این، به ایجاد رعب و وحشت میان مردم دامن زده است. "اعتراف گیری" در اغلب موارد با فشار و تهدید و شکنجه ای اعتراف کننده ممکن می شود و یکی از هدف های آمران و عاملان آن تحقیر شخصیت و مزوی کردن معترضان و منتقدان است. کانون نویسندگان ایران اعتراف گیری و نمایش آن را محکوم می کند و خواهان لغو و ممنوعیت کامل این روش های عوام فریبانه است."

در همین رابطه انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه نیز تحت عنوان "بازداشت مجدد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان باید مورد اعتراض توده ای قرار گیرد"، بیانیه ای داده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "سناریوی خفه کردن صدای اعتراض اسماعیل بخشی و سپیده قلیان با فیلم طراحی سوخته «فیلم اعتراف گیری زیر شکنجه» طرح شده بود و با این

حربه می خواستند با به سکوت کشاندن این دو زندانی، بقیه جامعه و بخصوص کارگران را که امروز مبارزاتشان به مرکز ثقل اعتراضات رو به گسترش کل جامعه تبدیل شده است و در آینده نزدیک طوفان های سهمگین به پا خواهد کرد، به سکوت بکشاند. اما اسماعیل بخشی و سپیده قلیان که بعد از آزادی موقت لب فرو نبستند و با جسارت علیه شکنجه گرانشان اعلام جرم کردند، وسیعاً مورد حمایت و پشتیبانی عمومی قرار گرفتند و به این ترتیب فیلم طراحی سوخته واقعا سوخت و خاکستر شد. این دو زندانی که از حقوق کارگران و کل جامعه ای که خواهان منزلت، رفاه و آزادی هستند دفاع کردند و بر آرمان انسانیشان همچنان اصرار ورزیدند، اکنون برای بار دوم در مدتی بسیار کوتاه مورد انتقام گیری کینه توزانه سرکوبگران هر گونه آزادی و مخالفان سرسخت و مقابله گران با منزلت و رفاه اکثریت مردم کارگر و زحمتکش واقع شده و روانه بازداشتگاه و شکنجه گاه گردیده اند. اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی باید فوراً آزاد گردند و وظیفه کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان برابری طلب و همه انسانهای زحمتکش و شریف جامعه است که با شعار ماه همه بخشی هستیم، ما همه سپیده قلیان هستیم، ما همه علی نجاتی هستیم، به میدان آیند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنها شوند."

به این ترتیب دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و تقلای زبانه حکومت اسلامی و طرح های سوخته اش، امروز با موجی از انزجار در کل جامعه روبرو شده است. امروز اسماعیل بخشی برای مردم با آزادیخواهی، برابری طلبی، و اداره شورایی تداعی میشود و اینها به گفتمان های جامعه ای تبدیل شده است که فقر

نمیخواهد، تبعیض نمیخواهد، بساط دزدسالاری حاکم را نمیخواهد، و کیفرخواستش علیه کل بساط توحش سرمایه داری است. مردم امروز اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را صدای اعتراض خود میدانند و قاطعانه حمایتشان میکنند. مردم خواستار آزادی فوری اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی و تمامی زندانیان سیاسی هستند. بعلاوه امروز کارگران و مردم معترض در حمایت از اسماعیل بخشی و در انزجار به نمایش مسخره تلویزیون "طراحی سوخته" دارند هر روز با خواسته های روشنتری به جلو می آیند و از حق تشکل، حق اعتصاب، حق اعتراض، حق تحزب، حق اعتراض و آزادی بیان و حق داشتن جامعه ای شاد و انسانی سخن میگویند و حکومت اسلامی را به خاطر ۴۰ سال سرکوب و جنایت به چالش میکشند. و بطور واقعی این جنبش آزادیخواهی مردم است که امروز حول محور دفاع از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی دارد صف خود را متحد میکند و با قدرت به جلو می آید و باید با تمام قدرت به آن پیوست. نمایش مستند کذابی "طراحی سوخته" بطور واقعی، نمایش وحشت رژیم از سر بلند کردن قدرتمند این جنبش و از شیخ کمونیسم است که می رود کل بساط حاکمیت را جارو کند. اما همه این اتفاقات حاکی از نقطه عطف جدیدی در فضای سیاسی جامعه است و هیچ حکومت اسلامی با هیچ ترفندی نمیتواند اوضاع را به عقب برگرداند. و این چنین است که امروز اسماعیل بخشی به نماد اتحاد طبقاتی کارگران و گفتمان های کارگری در سطح جامعه تبدیل شده است و از همین رو محبوب است.*

بودجه کلان نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی!

محمد شکوهی



این هفته رسانه های حکومتی گزارش دادند در جریان بررسی لایحه بودجه ۹۸ در کمیسیون تلفیق بودجه، این کمیسیون تصمیم به اختصاص ۲۰ هزار میلیارد تومان دیگر برای بودجه نظامی رژیم گرفته است.

ابوالفضل حسن بیگی عضو کمیسیون تلفیق بودجه در مجلس در باره این تصمیم گفته است: "این کمیسیون تصمیم به افزایش ۳۰ هزار میلیارد تومانی بودجه دفاعی کشور در سال آینده گرفته است. حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان از این افزایش در کمیسیون تلفیق تصویب شده است." پیشنهاد شده ۱۰ هزار میلیارد تومان دیگر نیز از محل افزایش بهای حامل های انرژی به بودجه دفاعی اختصاص یابد."

این دومین مورد از افزایش بودجه نظامی رژیم برای سال

آینده می باشد که در مجلس در چند هفته اخیر تصویب شده است. لازم به توضیح است که دولت روحانی در لایحه بودجه سال ۹۸، بودجه نظامی حکومت را ۶۲ هزار میلیارد تومان پیشنهاد کرده بود که با تصره های "ویژه" امکان افزایش مجدد این بودجه هنگامت را به مجلس و دولت می داد. این لایحه در مجلس تصویب شد. با احتساب بودجه قبلی، کل بودجه نظامی و امنیتی رژیم نزدیک به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان شده است. البته این همه بودجه نیست. با احتساب سایر هزینه های اعلام نشده در بودجه بندی حکومت، مواردی نظیر گسترش صنایع نظامی در بخش موشک های قاره پیمای دور برد، تلاش حکومت برای دستیابی به موشک هایی با قابلیت حمل کلاهک های اتمی،

نظامی و امنیتی رژیم در دستور مجلس و دولت قرار میگیرد.

جمهوری اسلامی هزینه های هنگامت نظامی و امنیتی اش را بر کرده مردم تحمیل می کند. همین یک قلم افزایش ۱۰ هزار میلیارد تومانی بودجه نظامی از محل درآمد حامل های انرژی نشان می دهد که حکومت با اجرای مرحله سوم طرح هدفمند کردن یارانه ها که در واقع آزاد کردن قیمت حامل های انرژی و به طبع آن گرانی همه انواع سوخت می باشد، روی درآمدهای این بخش حساب کرده و برایش نقشه هم ریخته است. در حالیکه دولت و برخی دیگر از باندهای حکومتی قبلا ادعا کرده بودند "امورات رفاهی" نظیر وزارت بهداشت، تامین اجتماعی و غیره تخصیص خواهد یافت. اکنون مجلس اعلام کرده که بخشی از این درآمدها به بودجه نظامی اختصاص می یابد.

در مقابل این بودجه های هنگامت برای امور نظامی و امنیتی، خبری از بودجه برای

تقویت سیستم های نظامی امنیتی پرتاب ماهواره، در کنار هزینه های نظامی رژیم برای حمایت از رژیم اسد و دار و دسته های تروریست اسلامی در منطقه، چند برابر بودجه به ظاهر اعلام شده برای امور نظامی و امنیتی حکومت می باشد.

علاوه بر این موارد هر ساله حکومت در کنار اعلام بودجه های هنگامت نظامی به سفارش خامنه ای، نیروهای سپاه و بسیج و وزارت اطلاعات و کل دم و دستگاه عریض و طویل سرکوب رژیم، حق "برداشت های ویژه از صندوق توسعه ملی" و ذخایر ارزی بانک مرکزی، و اختصاص بودجه های هنگامت اضافی دیگر به امورات

رفع ابتدایی ترین نیازهای مردم دیده نمی شود. میلیونها کودک در مدارس تخریبی که با بخاری نفتی گرم می شوند و جان و زندگی شان در خطر می باشد مجبور به درس خواندن می باشند. میلیونها جوان بیکار و جوای کار و موضوع پرداخت بیمه بیکاریشان هیچ موقع در بودجه بندی حکومت جایی نداشته و ندارد. کمبود های جدی در عرصه بهداشت، درمان و دارو و تخت های بیمارستانی و... وجود دارد و بودجه ای که به این بخشها تخصیص می دهند یک دهم بودجه نظامی هم نمی شود.

در سیستم بودجه بندی جمهوری اسلامی اساسا "امورات نظامی و امنیتی" اولویت اول می باشند. این اختصاص مبالغ هنگامت برای هزینه های نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در واقع هزینه کردن برای حفظ نظام و "بقای حکومت"، گسترش دم و دستگاه سرکوب، در کنار تحمیل فقر و فلاکت و سرکوب بر کرده مردم می باشند.*

تمام آمرین و عاملین
جنایات جمهوری اسلامی
در چند دهه گذشته
باید دستگیر و علنا
محاکمه شوند!



گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!

بازداشت اعضای کانون نویسندگان محکوم است



کانون نویسندگان ایران طی بیانیه ای در روز ۲ بهمن ۹۷ اعلام کرد که کیوان باژن و رضا خندان (مهابادی)، اعضای هیات مدیره، و همچنین بکناش آبتین یکی از بازرسان این کانون بازداشت و روانه زندان اوین شده اند. بازداشت اعضای کانون نویسندگان در پی حضور در دادگاه و حکم قاضی مقیسه دائر بر افزایش قرار وثیقه این افراد به مبلغ یک میلیارد تومان که توان پرداخت آنرا نداشتند، صورت گرفته است. جمهوری اسلامی از چند سال قبل کوشیده است برای دست اندرکاران کانون نویسندگان پرونده سازی کند و اکنون اتهاماتی نظیر "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" و "تشویق بانوان کشور به فساد و فحشا" را به این سه نفر وارد

کرده است. اخیرا هفتصد نفر از نویسندگان و روزنامه نگاران و فعالان عرصه های مختلف به این پرونده سازی اعتراض کرده و خواهان رفع هرگونه اتهام و محدودیتی بر اعضای کانون نویسندگان شده بودند. حزب کمونیست کارگری بازداشت فعالین کانون نویسندگان را قویا محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید شرط آنها و همه زندانیان سیاسی است. جمهوری اسلامی در منگنه اعتراض و خشم کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و همه مردم آزادیخواه قرار گرفته و وحشت زده میکوشد تا برای هرکسی پرونده امنیتی درست کند تا مگر با تهدید و زندان و شکنجه و سرکوب اوضاع را آرام کند. اما رژیم منحوس اسلامی

و ضد بشری تنها گور خود را عمیق تر میکند. چنانکه در مورد دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و سایر دستگیر شدگان دیدیم که موج عظیمی از اعتراض علیه رژیم و جنایاتش و حمایت از همه عزیزان در بند به راه افتاد. دستگیری اعضای کانون نویسندگان تنها عزم ما و همه مردم را برای مبارزه برای آزادی بی قید شرط همه زندانیان سیاسی و رهایی از شر جمهوری اسلامی راسخ تر میکند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
زنده باد آزادی بی قید و شرط بیان!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری

۴ بهمن ۱۳۹۷، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۹

دستگیری اعضای تحریریه نشریه گام را محکوم میکنیم

در روزهای گذشته جمهوری اسلامی سه نفر از اعضای هیئت تحریریه نشریه گام، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الهیاری و امیر امیرقلی را دستگیر کرد. این دستگیری ها در ادامه دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و سناریوسازی های پوچ و سوخته وزارت اطلاعات صورت گرفته است.

حزب کمونیست کارگری دستگیری اعضای هیئت تحریریه نشریه گام را شدیداً محکوم میکند. اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی

و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. رژیم با هیچ ترفندی قادر به جلوگیری از گسترش جنبش های مختلف اعتراضی نیست. این دستگیری ها نیز کمکی به بقای بیشتر حکومت کثیف اسلامی نخواهد کرد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
سرنگون باد جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ بهمن ۱۳۹۷، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۹

بازنشستگان:

"توپ تانک مستند دیگر اثر ندارد"

از ساعت ده صبح روز دوم بهمن ماه جمعیتی بزرگ از معلمان شاغل و بازنشستگان برای پیگیری خواستههایشان در مقابل وزارت کار تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی که به فراخوان بازنشستگان برپا شده بود، تجمع کنندگان با شعارهایی چون "توپ، تانک، مستند، دیگر اثر ندارد"، "شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد" به "مستند" رسوای صدا و سیمای جمهوری اسلامی عکس العمل نشان دادند و با شعار "معلم زندانی، آزاد باید گردد"، زندانی سیاسی آزاد باید گردد بر آزادی همه معلمان زندانی و زندانیان سیاسی تاکید کردند. شعارهای دیگر بازنشستگان عبارت بودند از: "تورم گرانی جواب بده روحانی"، "تورم، گرانی، بلای جان مردم"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "اختلاسها کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "فریاد فریاد از اینهمه بیداد"، "از وعده ها خسته ایم، ما همه همبسته ایم".

در این روز بازنشستگان همچنین با شعار "صدا و سیمای ما، ننگ ما، ننگ ما" اعتراض خود را علیه سانسور و توطئه گری و بازتاب نیافتن اعتراضات در رسانه های دولتی اعلام داشتند.

در تجمع این روز بازنشستگان همچنین دست نوشته هایی داشتند که بر روی آنها رئوس خواستها و اعتراضاتشان نقش بسته بود. از جمله بنرهایی با مضامین زیر توجه ها را به

خود جلب میکرد: "دانشجو، کارگر، بازنشسته، اتحاد، اتحاد"، "رفاه عمومی حق مسلم ماست"، "نان، کار، آزادی"، "رسانه، تجمع، تشکل، حق مسلم ماست"، "جای معلم زندان نیست"، "افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۶ میلیونی"، "تحصیل رایگان حق همه کودکان است"، "بیمه کارآمد، درمان رایگان است".

در محل تجمع امروز بازنشستگان نیروی انتظامی بسیاری مستقر شده بود و از تجمع کنندگان عکس میگرفتند. اما بازنشستگان بدون توجه به این تلاشها به تجمع اعتراضی خود ادامه دادند. بدین ترتیب امروز نیز بازنشستگان با فریادها و شعارهایشان و با اعلام خواستههایشان، بار دیگر اعتراض کل جامعه را نمایندگی کردند. حزب کمونیست کارگری بر حمایت وسیع همه مردم از خواستها و مبارزات بازنشستگان تاکید دارد. بازنشستگان به حقوقهای زیر خط فقر، به نبود امکانات و تامین اجتماعی، به هزینه سنگین درمان و کلا به زندگی زیر خط فقر شدیداً اعتراض دارند. این خواستها و اعتراضات شایسته بیشترین حمایتهاست.

پیش بسوی
اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ بهمن ۱۳۹۷،
۲۲ ژانویه ۲۰۱۹

تجمع معلمان و بازنشستگان در تهران و شهرستانها شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد!

بار دیگر شعارهای "شکنجه مستند دیگر اثر ندارد"، "کارگر معلم دانشجو اتحاد اتحاد"، "زندانی سیاسی آزادی باید گردد"، "تورم گرانی جواب بده روحانی" و "آموزش رایگان حق مردم ایران"، در خیابانها طنین انداخت. روزهای سوم و چهارم بهمن ماه معلمان شاغل و بازنشستگان برای پیگیری خواستههای خود در تهران، کرج، اصفهان، اردبیل و در استان البرز دست به تجمعات اعتراضی زدند. تجمع در تهران در مقابل مجلس اسلامی و در دیگر شهرها مقابل اداره آموزش و پرورش برپا شد. تجمع کنندگان در تهران با شعار حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاریه اعتراض خود را به حقوقهای چند بار زیر خط اعلام کردند. معلمان شاغل و بازنشستگان در این تجمعات بار دیگر با شعار شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد، انزجار خود را از مستند سازی کثیف جمهوری اسلامی علیه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و بازداشت آنها و بساط شکنجه و زندان رژیم اعلام داشتند. جنبش آزادیخواهی مردم با این شعار و در حمایت از اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی و برای آزادی آنها و تمامی زندانیان سیاسی دارد با قدرت به میدان می آید.

دیگر شعارهای معلمان و بازنشستگان عبارت بودند از: "کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد"، "حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاریه"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی، آزاد باید گردد"، "فریاد، فریاد از اینهمه بیداد"، "تورم گرانی جواب بده روحانی"، "تورم، گرانی، بلای جان مردم"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "اختلاسها کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "فریاد فریاد از اینهمه بیداد"، "از وعده ها خسته ایم، ما همه همیسته ایم"، "آموزش رایگان حق مردم ایران"، "ویلا مال دزدانه، معلم در زندانه".

معلمان و بازنشستگان با شعارهای خود کیفرخواست اکثریت عظیم مردم علیه فقر و نابرابری، علیه فساد و دزدی مقامات و علیه زندان و شکنجه را اعلام میکنند و با شعار نه زندان نه شکنجه دیگر اثر ندارد، عزم خود را برای تداوم اعتراضات خود به نمایش میگذارند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۴ بهمن ۱۳۹۷، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۹

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی

بخش هایی از کارگران نیشکر هفت تپه امروز ۵ بهمن در اعتراض به دستگیری مجدد اسماعیل بخشی دست به اعتصاب و اعتراض زدند. کارگران در اعتراض به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و پرونده سازی ها تحت عنوان "طراحی سوخته" در محوطه این مجتمع تجمع کردند. جمهوری اسلامی با پخش "مستند طراحی سوخته" و هیاهو بر سر "اعتراف" بخشی و قلیان و نجاتی و غیره و وصل کردن آنها به توطئه آمریکا و دشمن، و راه انداختن همان تبلیغات نخ نمای همیشگی تلاش کرد مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی را تخطئه کند. امروز کارگران نیشکر هفت با اعتصاب و تجمع اعتراضی شان پاسخ این توطئه گری ها را دادند و با این کار خود بطور واقعی مبارزاتشان و اسماعیل بخشی رهبر اعتراضاتشان را ارج گذاشتند. امروز نه فقط کارگران نیشکر هفت تپه بلکه کل جامعه است که علیه دستگیری اسماعیل بخشی و کل مضحکه ای که رژیم اسلامی در صدا و سیمایش برپا کرد و بساط شکنجه و زندان جمهوری اسلامی به پا خاسته است.

تجمعات اعتراضی معلمان شاغل و بازنشسته در سه روز دوم، سوم و چهارم بهمن با شعارهای "توپ، تانک، مستند، دیگر اثر ندارد"، "مستند، شکنجه، دیگر فایده ندارد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "صدا و سیمای ما، ننگ ما، ننگ ما"، "حکومت سرمایه داری مفتخور نمیخواهیم، نمیخواهیم" پاسخ شایسته آنان و همه مردم به حکومت اسلامی و همه تقلاهای زبانونه آن از نوع "طراحی سوخته" است.

دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه، ابراز نفرت از دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی، و عکس العمل نسبت به توطئه گری نفرت انگیز تحت عنوان "طراحی سوخته" امروز در سراسر جامعه به موضوع جدال کارگران و بخشهای مختلف جامعه علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. جمهوری اسلامی با دستگیری اسماعیل بخشی در واقع علیه کل کارگران و مردم اعلام جنگ کرده است و باید کاری کنیم که بطور قطع در این جنگ به شکست کشیده شود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۵ بهمن ۱۳۹۷، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۹

پرونده سازی جدید علیه اسماعیل بخشی نیز به جایی نخواهد رسید

سایت آکام نیوز وابسته به ارگان های اطلاعاتی جمهوری اسلامی دست به پرونده سازی جدیدی علیه اسماعیل بخشی زده و از جمله ادعا کرده است که "اسماعیل بخشی با هدایت کمونیست کارگری برای پوشش عملکرد خود علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، بحث شکنجه را پیش می کشد تا افکار عمومی را علیه وزارت اطلاعات تحریک کند و باقی ماجرا که بازتاب وسیع این ادعای دروغ در تمام رسانه های فارسی زبان خارج کشور و بخصوص رسانه های کمونیستی بود".

حزب کمونیست کارگری پرونده سازی جدید علیه اسماعیل بخشی را شدیداً محکوم میکند و بر تداوم مبارزه برای آزادی فوری او تاکید میکند. سناریوی قبلی حکومت به جایی نرسید اینبار سناریوی تازه ای سر هم بندی کرده اند تا بخیال خود فشار جامعه را از روی حکومت کم کنند. اما حکومت اسلامی و دم و دستگاه اطلاعات و سیستم قضایی اش بی آبروتر از این است که حتی یک نفر این لاطانات را جدی بگیرد. گویی برای اثبات اینکه جمهوری اسلامی حکومت شکنجه و سنگسار و اعدام است نیاز به سند و مدرک و سناریوسازی حزب کمونیست کارگری است. باید از وزارت اطلاعات و سربازان بدنام امام زمانش پرسید سناریوی شکنجه و قتل زهرا کاظمی و ستار بهشتی و محسن روح الامینی در زندان های جمهوری اسلامی را کدام حزب ساخته بود؟ سناریوی شکنجه و اعدام دهها هزار مخالف سیاسی در دهه شصت توسط چه حزبی درست شده بود؟

نیازی به تحریک افکار عمومی علیه وزارت اطلاعات نیست. کشتار دهه شصت، قتلهای زنجیره ای، ترور مخالفین در داخل و خارج کشور، و شکنجه و تجاوز مستمر در زندانها به اندازه کافی افکار عمومی را علیه این ماشین کشتار و جنایت تحریک کرده است.

جمهوری اسلامی هر چه بیشتر دست به سناریوسازی میزند، بیشتر مورد نفرت مردم قرار میگیرد. هر چه بیشتر علیه اسماعیل بخشی و سایر دستگیرشدگان و علیه حزب کمونیست کارگری به اصطلاح افشاگری میکند، آنها را بیشتر مورد توجه و حمایت مردم قرار میدهد. سالها تلاش کردند برای حتی جلوگیری از ذکر کلمه کمونیسم و اسم حزب کمونیست کارگری زبان مردم را ببرند اما امروز خود به نفوذ آنها اعتراف میکنند. حزب کمونیست کارگری افتخار میکند که در قلب میلیون ها نفر از مردم پیوستن به حزب کمونیست گرافته و شعارها و سیاست هایش هر چه بیشتر مورد حمایت مردم قرار

کمپین برای آزادی کارگران زندانی خواستار محکومیت قاطع جمهوری اسلامی ایران توسط سازمان بین المللی کار و خروج آن از این سازمان است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
شهلا دانشفر

Shahla.daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com

January 18, 2018

به تمامی سازمانهای کارگران و نهادهای

انساندوست در سراسر جهان

دستگیری اسماعیل بخشی و

سپیده قلیان را محکوم کنید

روز ۳۰ دی اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان فعال دانشجویی و خبرنگاری که در جریان مبارزات این کارگران به جرم تهیه فیلم و گزارش بازداشت شده بود، دوباره دستگیر شدند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی دستگیری آنها را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنهاست. ما از همه اتحادیه ها و سازمانهای کارگری بین المللی می‌خواهیم که به دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان اعتراض کنند. دستگیری این دو برای بار دوم آنها را با خطرات و تهدیدات جدی ای مواجه کرده است.

اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و ابعاد اجتماعی آن و در کنار آن مبارزات کارگران فولاد اهواز فشار سنگینی بر جمهوری اسلامی وارد کرده است و بر فضای اعتراض در کل جامعه تاثیر گذاشته است. جمهوری اسلامی با دستگیری اسماعیل بخشی و شماری دیگر از کارگران نیشکر هفت تپه و نیز بازداشت بیش از ۴۰ فعال کارگری در گروه ملی تلاش کرد اوضاع را تحت کنترل قرار دهد. اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه که در ۲۱ آذر بعد از ۲۵ روز حبس آزاد شد، بعد از یکماه از آزادیش طی نامه ای علنی از شکنجه های شدید در زندان سخن گفت و از وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی خواست که برای توضیح در مورد این شکنجه ها با او وارد مناظره شود. این نامه و کیفرخواست او علیه شکنجه و زندان جنبشی گسترده را در سطح جامعه دامن زد. نهادها و احزاب و سازمانهای سیاسی و مردمی از جمله کارگران، معلمان، دانشجویان و باننشستگان وسیعاً از او اعلام حمایت کردند و خواستار پاسخگویی به درخواست وی شدند. همچنین کارزارهایی تحت عنوان "من هم شکنجه شدم، ما همه بخشی هستیم"، سربلند کرد و بسیاری از فعالین کارگری و اجتماعی که خود قبلاً زندانی سیاسی بوده و در زندانهای جمهوری اسلامی حکومت اسلامی مورد شکنجه و آزار قرار گرفته اند، نامه دادند و به این جنبش پیوستند. همچنین سپیده قلیان و عسل محمدی یکی از دیگر از بازداشت شدگان در

تهدید به اعدام رانندگان کامیون، دستگیری و محکومیت معلمان، به شلاق زدن فعالان کارگری و مجازات های طولانی مدت زندان علیه معلمان معترض و رهبران و فعالان کارگری، امنیتی کردن اعتراضات و اعتصابات کارگران، تهیه پرونده های امنیتی علیه نمایندگان کارگران و حضور نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم اسلامی در محلهای کار و کشتار کولبران نامه داده و این سرکوبگریها را محکوم کرده اند.

حال اگر بازم از رفتار غیرانسانی و سیستماتیک حکومت علیه کارگران شاغل و بیکار و مردم ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی ایران بیخبرید، ما به شما یادآوری می کنیم که نه تنها ما بلکه حتی چندین اتحادیه بین المللی و سازمان های کارگری دیگر در این سالها به شما نامه داده و خواستار اخراج این رژیم از سازمان بین المللی کار شده اند.

علاوه بر این، و روشن تر از همه چیز، ما می خواهیم توجه شما را به کیفرخواست اسماعیل بخشی، رهبر کارگران نیشکر هفت تپه، علیه شکنجه هایی که او تحت بازداشتش توسط جمهوری اسلامی متحمل شده جلب کنیم.

اسماعیل بخشی و خانواده اش در حال حاضر تحت فشار شدید رژیم اسلامی برای انکار کردن ادعای شکنجه هستند و تهدید شده است که در غیر این صورت او با همان وضعیت دوباره به زندان بازگردانده خواهد شد.

تا کنون بسیاری دیگر از فعالان اجتماعی و کارگری به او پیوسته اند و شکنجه ها و بدرفتاری سیستماتیک با کارگران و مخالفان در زندانهای جمهوری اسلامی ایران را افشا کرده اند.

بسیاری از کارگران مانند کارگران هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز، به عدم پرداخت دستمزد و اختلاسها در واحدهای تولیدی که خانواده های آنها را به فقر مطلق محکوم کرده است، اعتراض دارند.

واضح است که عضویت رژیمی مانند جمهوری اسلامی ایران در ILO لژیون پا گذاشتن آشکار حقوق کارگران و ارزش های انسانی ای است که کارگران جهان بر آن پای می‌فشارند. ما شما را مسئول میدانیم که با پذیرش عضویت رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار، به جنایات آن علیه کارگران و مردم مشروعیت می دهید.

آقای رایدر!

ما از شما می خواهیم که در برابر کارگران و مردم قرار نگیرید. ما از شما می خواهیم که سازمان هایی را که درباره اقدامات غیر انسانی و ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران به شما نامه نوشته شده اند را نادیده نگیرید. ما از شما خواسته ایم که چشم خود را به بدرفتاری های روزمره و سرکوب وحشیانه کارگران و مردم ایران نبندید.

جمهوری اسلامی ایران باید بلافاصله از سازمان بین المللی کار اخراج شود و ما از شما انتظار داریم که اطمینان دهید که این اتفاق می افتد.

گرفته است. ما همه کارگران و معلمان و باننشستگان، همه زنان و دانشجویان و جوانان و کلیه مردم آزاده را به ت کارگری فرا میخوانیم. حزب همچنان بر ضرورت تلاش همه جانبه و فعال برای آزادی اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، اعضای هیئت تحریریه نشریه گام، اعضای کانون نویسندگان و معلمان و دانشجویان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی تاکید میکند.

حکومت مفتخوران و جنایتکاران اسلامی را سرنگون میکنیم، شکنجه گران و جنایتکاران حکومتی را به محاکمه میکشیم و جامعه ای فارغ از ستم و استثمار و نابرابری و سرکوب و شکنجه و اعدام، فارغ از مفتخوری و دزدی و فارغ از دخالت آخوند و مذهب در زندگی مردم ایجاد خواهیم کرد.

سرتگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ بهمن ۱۳۹۷، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۹

نامه سرگشاده به دبیر کل

سازمان بین المللی کار ILO

از: کمپین برای آزاد کردن کارگران در

ایران

آقای گای رایدر عزیز!

من این نامه را در اعتراض به سیاست شما در رابطه با رژیم اسلامی ایران ارسال می کنم. تمام دنیا می داند که چگونه این رژیم با کارگران رفتار می کند. رژیمی که کارگران را به شلاق میکشد، و آنها را دستگیر و زندانی میکند، نباید در سازمانی جهانی کار جایی داشته باشد.

"فردی دم ناو" کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران همراه با بسیاری از نهادها و سازمان های کارگری، شما را در مشروعیت دادن به اقدامات غیر انسانی و ضد کارگری جمهوری اسلامی بخاطر اجازه دادن به عضویت آن در سازمان جهانی کار مسئول می داند.

در چهار دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران اساسی ترین حقوق کارگران و حقوق انسانی را نقض کرده است. پس از بارها نقض غیرقابل انکار حقوق کارگران و سرکوب وحشیانه انتقادات، شما به رژیم ایران برخی اصلاحات را پیشنهاد کردید که نه تنها از سوی رژیم اسلامی نادیده گرفته شد، بلکه سرکوب افزایش یافت.

تاکنون بسیاری از اتحادیه های بین المللی و اعضای سازمان بین المللی کار قبل از این در رابطه با سرکوب کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران گروه ملی فولاد اهواز در استان خوزستان، دستگیری و

اعتراضات کارگری و ایجاد همبستگی میان بخش های مختلف کارگران، برگزاری نشست و همفکری با دوستان و یاران و ... در بسیاری از کشورهای سرمایه داری بعنوان حقوق مسلم کارگران و شهروندان پذیرفته شده است. به این اعتبار با نمایش این فیلم نه فقط ذره ای از عزت و احترام به اسماعیل بخشی ها و سپیده قلیان ها و علی نجاتی ها در میان مردم کم نشد بلکه مردم از شکنجه و خرد کردن حرمت و کرامت انسانی آنها خشمگین شدند و بیش از گذشته، این عزیزان را در آغوش محبت انسانی خود گرفتند. از سوی دیگر وصل کردن اعتراضات به حق کارگری و مردمی به دولت آمریکا توجیه نخ نمایی است که پیش از این جواب خود را از مردم با شعار "دشمن ما همینجاست، دروغ می گن آمریکاست" گرفته است. واقعیت این است که جمهوری اسلامی نه با سرکوب می تواند جلوی مردم را بگیرد و نه با انجام چنین تبلیغات نخ نمایی می تواند از حلقه نفرت و انزجار عمومی نجات یابد. آنچه که می ماند رسوایی بیشتر برای رژیم جنایتکار اسلامی و ادامه اعتراضات مردم برای برچیدن بساط شکنجه و اعدام و سرکوب در ایران است.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه فعالین مدنی و کارگری که تحت اجحافات و شکنجه های جمهوری اسلامی قرار گرفته اند، بی دریغ حمایت می کند. این نمایشات تلویزیونی خود مصداق آشکار شکنجه است که جمهوری اسلامی سعی در انکار آن دارد. ما از فعالیت آزادانه تشکل های مستقل کارگری در جامعه، آزادی رسانه ها و مطبوعات، آزادی تجمع و اعتصاب، آزادی احزاب سیاسی و عضویت در آنها حمایت می کنیم و معتقدیم کسانی که این حقوق پایه ای مردم را زیر پا می گذارند مجرم هستند نه کارگران و مردم حق طلب. ما همگان را فرا می خوانیم که برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و مختومه اعلام کردن پرونده ای امنیتی علیه فعالین کارگری و مدنی و رفع اتهام از آنها نیروی متحد خود را به میدان آورند. راهی برای رسیدن به آزادی و برابری جز سرنگونی جمهوری اسلامی وجود ندارد.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۳۰ د ۱۳۹۷ - ۲۰ ژانویه ۲۰۱۹

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

برگزاری دادرسی علنی و شفاف تاکید کرده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تمامی سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان را به حمایت همه جانبه از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان فرامیخواند. حمایت از آنها حمایت از همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران است که در زندانهای رژیم اسلامی تحت فشار شکنجه های جسمی و روحی سیستماتیک قرار دارند. حمایت از آنها حمایت از مبارزات کارگران برای حقوق پایه ای اولیه شان از جمله حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و حق اعتراض کردن است. حمایت از آنها حمایت از جنبش کارگری و مبارزات کل مردم ایران علیه رژیم سرمایه داری وحشی حاکم در ایران است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی منتظر وسیعترین حمایت ها از سوی تمامی سازمانهای کارگری در سراسرجهان است. فری دم ناو همچنین طی نامه ای سرگشاده به سازمان جهانی کار، به سکوت و مامشات این سازمان در برابر جنایات و سرکوبگری های حکومت اسلامی در ایران اعتراض کرده و خواستار اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او شده است. فری دم ناو از تمامی گیرندگان این نامه انتظار دارد که در همبستگی با این خواست به سازمان جهانی کار فشار بیاورند و خواستار اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهبلا دانشفر

۲۱ ژانویه ۲۰۱۹

نمایش فیلم "طراحی سوخته" نشانه ورشکستگی جمهوری اسلامی است!

پس از آزادی اسماعیل بخشی از زندان و طرح این مسئله که او در زندان مورد شکنجه های وحشیانه قرار گرفته است، مردم بسیاری وسیعاً از او به حمایت برخاستند و جمهوری اسلامی دچار مخمصه ای جدی شد. جمهوری اسلامی برای خنثی کردن فضای اعتراضی علیه شکنجه و سرکوب، اقدام به انتشار فیلمی تحت عنوان "طراحی سوخته، تیری که به سنگ خورد" نمود و سعی کرد گریبان خود را از فشار اعتراض مردمی برهاند. اما در واقع این تیر جمهوری اسلامی بود که به سنگ خورد و این اقدام نیز به ضد خودش تبدیل گردید.

با اینکه بر همگان روشن است که اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و علی نجاتی زیر شکنجه های جسمی و روحی مجبور به اعترافات تلویزیونی شده اند ولی حرفهایی که آنها بر زبان آوردند نه فقط جرم نیست بلکه جزئی از حقوق مسلم شهروندان در یک جامعه است. جرایمی که به این فعالین در فیلم نسبت داده می شود نظیر تهیه خبر و گزارش از اعتصاب و مبارزه کارگران و انتشار علنی آن، چگونگی سازماندهی

جریان اعتراضات کارگران هفت تپه اعلام کردند که شاهد شکنجه اسماعیل بخشی بوده و حاضرند در یک دادگاه علنی شهادت دهند.

جمهوری اسلامی زیر فشار چنین حرکت اجتماعی بزرگی به تقلا افتاد. کمیسیون امنیت مجلس و مراجع مختلف حکومتی همچون مراجع قضایی و دولت و غیره بر سر این موضوع به بحث نشستند. و بعد بطور یکطرفه و بدون هیچ تحقیقی اعلام کردند که اسماعیل بخشی شکنجه نشده است و با استناد به اسناد سرهم بندی شده وزارت اطلاعات و با اعلام اینکه بخشی خود به عضویت در حزب کمونیست کارگری اعتراف کرده است و ماموریت این حزب "ایجاد اغتشاش" و سازماندهی اعتراضات گسترده کارگری است، او را مجرم اعلام کردند.

بدنبال این اتفاقات جمهوری اسلامی با پخش یک ویدئو تحت عنوان مستند "طراحی سوخته" در بیست و نهم دیماه در تلویزیون "صدا و سیما"ی جمهوری اسلامی تعرض خود را به اسماعیل بخشی، علی نجاتی از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه که از هشتم آذر ماه تا کنون هنوز در بازداشت بسر میبرد و سپیده قلیان آغاز کرد. در این برنامه جمهوری اسلامی قسمتهائی از "اعترافات" آنها و دیگر افراد بازداشت شده را که زیر شکنجه و با قرار گرفتن در مقابل دوربین توسط دستگاه امنیتی حکومت، فیلم برداری شده بود، پخش کرد. در این برنامه تلاش شده بود که با صحنه سازیهایی از رابطه آنها با کمونیستها در جهت ایجاد "اغتشاش" در محیط های کارگری، مبارزات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی که کل جامعه را به تحرک در آورده است، تحطئه شود و این اعتراضات به "توطئه" آمریکا و "دشمن بزرگ" وصل شده بود. این شوی تلویزیونی بیش از هر چیز تصویر حکومت شکنجه و زندان در مقابل جامعه ای است که کل بساط فقر و بردگی سرمایه داری را به چالش کشیده است.

در برابر این اقدام تنفر انگیز جمهوری اسلامی اسماعیل بخشی خواستار برگزاری دادرسی علنی و شفاف و فرصت دادن به وی برای پاسخگویی به اتهامات وارده در همان رسانه ای شده است که "مستند طراحی سوخته" پخش شده است. این پیشنهاد از سوی خانم فرزانه زیلابی وکیل او رسانه ای شده است. فرزانه زیلابی همچنین در واکنش به این عمل جمهوری اسلامی با گفتن اینکه دانستن حقیقت حق مردم است اما تلاش در اغوای افکار عمومی خیانت به مردم و مخاطبین رسانه است، اعلام کرد که این صحنه سازی و بازی نابهنجار بی پاسخ نخواهد ماند و موکل او حق شکایت علیه صدا و سیما و وزیر اطلاعات را دارد. فرزانه زیلابی همچنین پخش این فیلم را که دستگاه امنیتی در اختیار صدا و سیما گذاشته است، زیر پا گذاشتن و نقض قوانین خود جمهوری اسلامی اعلام کرد.

فرزانه زیلابی در خاتمه بر پیشنهاد بخشی مبنی بر

سپیده قلیان، اسماعیل بخشی و علی نجاتی باید بیدرنگ آزاد شوند!

سپیده قلیان با شجاعت و جسارت و مسئولیت پذیری تحسین برانگیزی، با انتشار ویدئو ۱۲ دقیقه‌ای از آنچه که در مدت بازداشت بر او و اسماعیل بخشی گذشت از همه مستندات پنهانی که در شکنجه‌گاه‌ها و اتاق‌های بازجویی بر زندانیان سیاسی می‌گذرد پرده برداشت. او پاسخ همه تقلاهای مذبحانه و مستند سازی‌ها و اعتراف‌گیری‌های نخ‌نمای دم و دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی را داد! افشاگری او، ادامه اعتراض شجاعانه اسماعیل بخشی و خواست او برای مناظره با وزیر اطلاعات است.

سپیده قلیان نشان داد چگونه وزارت اطلاعات اعتراضات به‌حق کارگران هفت‌تپه را زیر ضرب ارباب امنیتی خود گرفته است و برای سرکوب رهبران آن از هیچ جنایتی فروگذار نکرده است. نشان داد که چگونه خانواده دردمند زندانیان سیاسی تحت فشار قرار می‌گیرند! افشاگری سپیده قلیان در عین حال مهر تأکیدی بر

این حقیقت شورانگیز است که علیرغم سرکوب وحشیانه جمهوری اسلامی، جامعه نه تنها عقب ننشسته و مرعوب نشده است که با روحیه‌ای شاداب، قوی و رزمنده در این نبرد نابرابر، سینه سپر کرده است! فریاد شعار "توپ، تانک، مستند دیگر اثر ندارد" پاسخ سر راست جامعه در دفاع از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، علی نجاتی و صدها کارگر و معلم و فعال اجتماعی است که به جرم حق خواهی با پاپوش دوزی و پرونده سازی در زندان‌اند! دستگاه ارباب جمهوری اسلامی بر سر خودش دارد آوار می‌شود! با این افشاگری، اینک یک بار دیگر جهان متمدن با مستندی به طول و عرض جامعه ایران و به قدمت چهار دهه جنون و جنایت حکومت اسلامی روبروست و باید تکلیفش را با این هیولای وحشت یکسره کند! اینک خواست آزادی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان ابعاد بین‌المللی یافته است! از تجمع اعتراضی شکوهمند بازنشستگان در تهران تا میدان‌های شهرها و پایتخت‌های کشورهای جهان خواست آزادی زندانیان سیاسی گسترده شده است. مردم آزادیخواه و مبارز! باید یک پارچه و متحد با برپایی تجمعات اعتراضی

خواهان آزادی بیدرنگ اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی شویم! به مراجع ذیصلاح بین‌المللی مراجعه کنید و خواهان آن شوید که جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند. در این روزهای پر تشویش، خانواده بخشی، نجاتی و قلیان را در آغوش خود بگیرید. آنها نباید تنها بمانند. بساط شکنجه و اعتراف‌گیری به هر شکل باید خاتمه یابد. هرچه سریعتر با سازمان دادن تجمع اعتراضی مقابل بیدادگاه‌های شوش و اهواز، همانطور که خواست اسماعیل بخشی و سپیده قلیان است در یک مناظره علنی، مسئولین امنیتی و قضایی باید پاسخگوی اعمال خود باشند! آمرین و عاملین این دستگیری و بازجویی و شکنجه و پرونده سازی باید علنی محاکمه شوند! به کارزار #من-هم-شکنجه-شدم بپیوندید و جنایات بی‌شمار جمهوری اسلامی را افشا کنید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۳ بهمن ۱۳۹۷
۲۳ ژانویه ۲۱۰۹

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!



برنامه شامل:

- کلیپ کوتاهی از مبارزات زنان
- سخنرانی: شیوا محبوبی
- موزیک زنده: از گروه هنری کلروان با مسئولیت فریبرز کرمی
- سپس DJ مهران به همراه عزیزان شرکت کننده برنامه را تا پاسی از شب ادامه فواهر راز.

یوتبوری (سوئد)

شنبه - ۹ مارس ۲۰۱۹، از ساعت ۷ عصر

محل: Folkets Hus Hammarkullen

با اسپوره‌های ۴، ۸ و ۹ بطرف Angered

غذا و نوشیدنی در محل موجود است.

ورودی ۵۰ کرون

ورودی برای پناهجویان رایگان است.

روز و ساعت این برنامه را بخاطر بسپارید و دوستانتان را نیز

به این برنامه دعوت کنید.

تلفن تماس: عبدالله اسدی 46 (0)737178819

حزب کمونیست کارگری ایران، تشکیلات گوتنبرگ

تجمعات اعتراضی در دفاع از آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و در محکومیت جنایات رژیم



- **استکهلم:** تظاهرات، شنبه - ۲۶ ژانویه در مین توریت مقابل پارلمان، ساعت ۲ بعدازظهر
- **فرانکفورت:** متنیگ در مرکز شهر، شنبه ۲۶ ژانویه از ساعت ۲ بعدازظهر
- **ونکوور:** تجمع در مرکز شهر، شنبه ۲۶ ژانویه از ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر
- **کلن:** تجمع اعتراضی در مرکز شهر، شنبه ۲۶ ژانویه از ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر
- **پاراماتا، سیدنی:** تجمع در مقابل سائن اجتماعات شهردای پاراماتا، پنجشنبه ۲۱ ژانویه از ساعت ۴ تا ۶ بعدازظهر
- **تورنتو:** تجمع اعتراضی در محل پلازای ایرانیان روز پنجشنبه ۲۴ ژانویه انجام گرفت.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

در دفاع از مبارزات کارگران، علیه حکومت شکنجه و سرکوب اسلامی و برای آزادی زندانیان سیاسی به این تجمعات بپیوندید.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!